



برگرفته از تفسیر موضوعی آیت الله جعفر سبحانی



به اهتمام :

دکتر محمد بیستونی

بسم الله الرحمن الرحیم

متافیزیک یا آگاهی سوم (برگرفته از تفسیر موضوعی قرآن)

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

متافیزیک یا آگاهی سوم(برگرفته از تفسیر موضوعی آیه الله جعفر سبحانی)

مشخصات کتاب

سرشناسه : بیستونی، محمد، ۱۳۳۷ -، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور : متافیزیک یا آگاهی سوم(برگرفته از تفسیر موضوعی آیه الله جعفر سبحانی)/ به اهتمام محمد بیستونی؛ [به سفارش به نشر آستان قدس رضوی].

مشخصات نشر : تهران:مفتاح دانش:بیان جوان ۱۳۸۸ .

مشخصات ظاهری : [۲۵۴] ص.؛۱۰×۱۴س م.

فروست : تفسیر سبحان؛۲.

شابک : ۵۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۶۲۲-۱-۶:

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

موضوع : الهیات -- جنبه های قرآنی

موضوع : غیب گویی (اسلام) -- جنبه های قرآنی

شناسه افزوده : سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۰۸ -

رده بندی کنگره : BP۹۸/ب۹۵م۲ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۴۸۱۱۳

ص:۱

اشاره

تقدیم به

سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللّهِ وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ اِلی مَوْلانا

وَ مَوْلَی الْمُوَحِّدینَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ اِلی بِضْعَهِ

الْمُصْطَفی وَ بَهْجَهِ قَلْبِهِ سَیِّدَهِ نِساءِ الْعالَمینَ وَ اِلی سَیِّدَیْ

شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّهِ، السِبْطَیْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ اِلَی الْاَئِمَّهِ التِّسْعَهِ

الْمَعْصُومینَ الْمُکَرَّمینَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ لاسِیَّما بَقِیَّهِ اللّهِ فِی الْاَرَضینَ وَ وارِثِ عُلُومِ

الْاَنْبِیاءِ وَ الْمُرْسَلینَ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دابِرِالظَّلَمَهِ وَ الْمُدَّخِرِ لِاِحْیاءِ الْفَرائِضِ وَ مَعالِمِ الدّینِ ،

الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمانِ عَجَّلَ اللّهُ تَعالی فَرَجَهُ الشَّریفَ فَیا مُعِزَّ

الْاَوْلِیاءِوَیامُذِلَ الْاَعْداءِاَیُّهَاالسَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الْاَرْضِ وَالسَّماءِقَدْمَسَّنا

وَ اَهْلَنَا الضُّرَّ فی غَیْبَتِکَ وَ فِراقِکَ وَ جِئْنا بِبِضاعَهٍ

مُزْجاهٍ مِنْ وِلائِکَ وَ مَحَبَّتِکَ فَاَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ مِنْ مَنِّکَ وَ

فَضْلِکَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا بِنَظْرَهِ رَحْمَهٍ مِنْکَ

اِنّا نَریکَ مِنَ الْمُحْسِنینَ

متن اجازه نامه حضرت آیه اللّه سبحانی

برای تدوین آثار معظمٌ له متناسب با مخاطبین جوان

بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

حضور انور جناب آقای دکتر محمد بیستونی (دام مجده)

با اهداء سلام

نامه جنابعالی رسید و از فعالیت های قرآن آن عزیز آگاه شدم. درباره آثار قرآنی اینجانب مجازید به هر نحوی که مصلحت دانستید برای مخاطبان جوان آماده سازید و شیوه نگارش مانند آثار پیشین جنابعالی باشد.

با تقدیم احترام

جعفر سبحانی

۱۱/۷/۱۳۸۸

(۵)

ص:۵

متن تأییدیه حضرت آیه اللّه العظمی جعفر سبحانی

بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

یکی از گام های مؤثر که باید مفسران اسلامی در تشریح و تفهیم مقاصد عالی قرآن بردارند این است که، دگرگونی عمیقی در شیوه تفسیر به وجود آورند و از تکرار تفسیر قرآن به شیوه ترتیبی که سوره به سوره یا آیه به آیه است، خودداری نمایند و توجه خود را به شیوه دیگری که همان «تفسیر موضوعی» است، معطوف سازند. آن گاه خواهند دید در این نوع تفسیر چه پنجره های زیبایی از علوم و معارف قرآن در چشم انداز تفسیری آنان گشوده می شود.

(۶)

در همین راستا برادر فرزانه جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس گروه مؤسسات قرآنی تفسیر جوان در تلاشی بیست ساله با لطف و عنایات ویژه الهی شش نوع تفسیر موضوعی برای شش مخاطب هدف تحت عناوین تفسیر کودک، تفسیر نوجوان، تفسیر جوان، تفسیر زنان، تفسیر مردان و تفسیر خانواده با نظارت علمای برجسته حوزه های علمیه تألیف و منتشر نموده و چندین کتب ارزنده قرآنی و تفسیر موضوعی مستقل را نیز تحت عناوینی همچون تغذیه، باستان شناسی، هنرهای دستی، دنیای حیوانات، شعر و شاعری، آب و باران، فقر و ثروت، نهج البلاغه جوان، خلاصه الغدیر، لغت شناسی و مفاهیم

قرآن کریم و... را بـا نگاه ویژه به قرآن، حـدیث و علوم روز برای نسل جوان تألیف و چاپ و منتشـر نموده است که این حجم از فعالیتهای تأثیرگذار قرآنی در نوع خود کم نظیر می باشد.

برای ایشـان تـداوم توفیقـات و طول عمر همراه بـا صـحت، عزّت و حسن عـاقبت را خواهـانم و به همه خـانواده هـای محـترم و جوانان عزیز توصـیه می نمایم از همه آثار ارزشـمند و کاربردی ایشان که با محتوای عمیق و ساده و زیباترین شـکل ارائه شده است حداکثر استفاده را بنمایند.

قم جعفر سبحانی

۴/۸/۸۸

(۸)

متن تأییدیه حضرت آیت اللّه محمد یزدی

رئیس شورایعالی حوزه های علمیه ورئیس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری

بِسْمِ اللّٰه ِالرَّحْمنِ الرَّحیم

قرآن کریم این بزرگ ترین هدیه آسمانی و عالی ترین چراغ هدایت که خداوند عالم به وسیله آخرین پیامبرش برای بشریت فروفرستاده است؛ همواره انسان هارا دستگیری و راهنمایی نموده و

می نماید.

(۹)

این انسان ها هستند که به هر مقدار بیشتر با این نور و رحمت ارتباط برقرار کنند بیشتر بهره می گیرند.

ارتباط انسان ها با قرآن کریم با خوانـدن، اندیشـیدن، فهمیـدن، شـناختن اهداف آن شـکل می گیرد. تلاوت، تفکر، دریافت و عمل انسان ها به دستورالعمل های آن، سطوح مختلف

(۱۰)

ص:۱۰

دارد. کارهایی که برای تسهیل و روان و آسان کردن این ارتباط انجام می گیرد هر کدام به نوبه خود ارزشمند است.

کارهای گوناگونی که دانشمند محترم جناب آقای دکتر بیستونی برای نسل جوان در جهت این خدمت بزرگ و امکان ارتباط بهتر نسل جوان با قرآن

ص:۱۱

انجام داده اند ؛ همگی قابل تقدیر و تشکر و احترام است. به علاقه مندان بخصوص جوانان توصیه می کنم که از این آثار بهره مند شوند.

(۱۱)

توفیقات بیش از پیش ایشان را از خداوند متعال خواهانم.

محمد یزدی

رییس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری

۱/۲/۱۳۸۸

(۱۲)

ص:۱۲

مقدمه

قرآن کریم درآیات ۸۲ سوره اِسراء و ۴۴ فُصِّلَت و ۵۷ یُونس خود را به عنوان نسخه شفابخش معرفی می کند. بنابراین می توان این کتاب آسمانی را همچون داروخانه ای فرض کرد که بیماران و نیازمندان متناسب با نوع بیماری و نیاز خاص خود باید به سراغ آن رفته و برنامه زندگی و نجات خود را از این گنجینه معنوی و مادی انتخاب کنند تا پرنده زیبای خوشبختی را در آغوش گرفته و در ساحل امن و آرام آن طی مسیر نموده و دنیا و آخرت خود را در سایه عمل به محتوای قرآن آباد سازند.

در همین راستا گروه مؤسسات قرآنی تفسیر جوان که تشکلی مردمی و غیرانتفاعی است ۱۰ مؤسسه تخصصی قرآنی را تأسیس نموده است تاهریک از مؤسسات متناسب با «مخاطب خاص» یا «موضوع خاص» مندرج در اساسنامه رسمی خود، گروههای

سِنّی گونـاگون را با آیات مرتبط با همان گروه مأنوس ساخته و درک و فهم آیات موضوعی را برای آنان ساده و میسـر سازد. لذا براساس فلسـفه وجودی تأسـیس هر مؤسـسه، شـش نوع تفسیر موضوعی بر اساس شش جمعیت هدف در مؤسسات مذکور تدوین و منتشر شده است که عبارتند از:

(۱۳)

۱ «تفسـیر کودک» ویژه کودکان پیش دبسـتانی تا پایان دبسـتان که حـدود ۲۰۰ آیه مورد نیـاز برای کودکـان عزیز به صورت گرافیکی، مفهومی و به ۴ زبان فارسـی، عربی، انگلیسی و فرانسه در ۳۰ جلد به صورت تمام رنگی در قطع بیاضـی را در خود جای داده است.

۲ «تفسـیرنوجوان» ویژه نوجوانـان مقطع راهنمـایی تـا پایان دبیرسـتان است که حـدود ۲۰۰۰ آیه موضوعی متنـاسب بـا نیازهای نوجوانان عزیز در قطع جیبی با استفاده از تفسیر نمونه در ۳۰ جلد را دربرگرفته و با استفاده از ۹رنگ جذاب در چاپ

(۱۴) متافیزیک یا آگاهی سوم

ص:۱۴

متن برای جامعه هدف خود طراحی شده و به دلیل دارابودن فهرستواره موضوعی این امکان را برای نخستین بار برای نوجوانان فراهم می سازد تا بدون نیاز به استاد حدودا ۴۰۰۰ موضوع از قرآن کریم را به سادگی فیش برداری و تحقیق نموده و در قالب مقاله یا کتاب ارائه دهند.

۳ «تفسیر جوان» ویژه جوانان دانشجو و بزرگسالان می باشد که کل آیات قرآن را با استفاده از تفسیر نمونه در ۳۰جلد به خود اختصاص داده است و جوانان عزیز بااستفاده از فهرستواره موضوعی و الفبایی فارسی این تفسیر قادر خواهند بود تا حدود ۰۰۰/۱۰ موضوع مورد نیاز خود را پژوهش و استخراج نمایند.

۴ «تفسیرزنان» در این تفسیر مجموعه آیات مربوط به بانوان محترم استخراج شده و در ذیل هر آیه تفسیر آن بر اساس سه تفسیر معتبر موجود یعنی «تفسیر نمونه» تألیف حضرت آیه اللّه العظمی مکارم شیرازی و «تفسیر مجمع البیان» اثر

مقدمه (۱۵)

گرانسنگ مفسّر بزرگ جهان تشیع امین الاسلام مرحوم آیه اللّه طبرسی (متوفّی به سال ۵۴۸ ه.ق) و «تفسیر المیزان» نوشته مرحوم آیه اللّه علامه طباطبایی، درج شده است. البته مجموعه مطالب استخراج شده از تفسیر المیزان درباره زنان و خانواده به صورت یکجا جمع آوری و در پایان کتاب درج شده است. تعداد آیات گزینش شده در این تفسیر ۲۷۵ آیه می باشد.

۵ «تفسیر مردان» که دربردارنده آیات مربوط به آقایان می باشد. نظیر آیاتی که وظایف و تعهدات مردان نسبت به خانم ها را تبیین نموده یا گروه آیات جهاد و شهادت. تعداد آیات گزینش شده در این تفسیر ۳۵۰ آیه می باشد.

۶ «تفسیر خانواده» مجموعه آیات مرتبط با مسائل خانوادگی را به صورت تخصصی و موضوعی مورد ارزیابی قرار داده است. تعداد آیات گزینش شده در این تفسیر ۴۲۵ آیه می باشد.

(۱۶) متافیزیک یا آگاهی سوم

پس از پایان کار تـدوین ۶ تفسیر مذکور برای ۶ جمعیت هدف، کارهای انجام شده را به مرجع بیدار و هوشیار جهان اسـلام حضـرت آیـه اللّه العظمی جعفر سبحانی کـه پـایه گـذار نخسـتین تفسـیر موضـوعی به زبـان فارسـی می باشـند ارائه داده و از محضـرشان تقاضا نمودم تا اجازه دهند مجموعه آثار قرآنی معظمٌ له را که بسیار کاربردی، متنوع و گسترده و مورد نیاز جامعه امروز می باشـد برای اسـتفاده نسـل جوان و عموم مردم سـاده سـازی و چـاپ و منتشـر نمـایم و ایشان با تقاضای بنـده موافقت فرمودند.

کتـاب حاضـر یکی از موضوعـاتی است که در دانشـگاه ها و مراکز علمی همواره مورد بحث و سؤال بوده درباره متافیزیک و موضوعاتی نظیر تله پاتی، ارتباط با ارواح، الهام و خواب، پیشـگویی و خبردادن از آینـده و علم امامان بحث جالب و خواندنی را مطرح نموده است.

امیدوارم خداوند منّان ما و شما را شکرگزار نعمت وجود علمای روشنفکر که

ادامه دهنـدگان راه انبیـاء و اولیـاء الهی هسـتند قرار داده و توفیق فهم و درک و نشـر مفاهیم زنـدگی ساز و نشاط آفرین قرآن کریم را به همگی عنایت فرماید.

دکتر محمد بیستونی

رئیس مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

تهران ۸/۸/۱۳۸۸ مصادف با سالروز ولادت

سلطان قلبها علی بن موسی الرضا علیه السلام

(۱۸) متافیزیک یا آگاهی سوم

پیشگفتار حضرت آیه اللّه جعفر سبحانی

از دیر باز مسایلی چند، که همگی مربوط به شؤون شخصیت های الهی و دارندگان مقام والای ولایت است، بر سر زبانها افتاده و در محافل مذهبی و دینی و احیانا مراکز علمی نیز مطرح می گردد و هر کس به گونه ای در این مورد اظهار نظر می کند و ما اکنون چند نمونه از این سؤال ها را مطرح می کنیم:

آیا صحیح است انسانی بر اثر داشتن مقام ولایت از پس پرده غیب گزارش دهد و دارای آگاهی سوم باشد؟!

آیا صحیح است انسانی بر اثر پیمودن راه عبودیت و بندگی، دارای روح و روان نیرومندی گردد که بتواند برای اثبات پیوند

خود با مقام فوق الطبیعه، در گوشه ای از جهان تصرف نماید؟!

آیـا صـحیح است که انسـانی کامـل، از ضـمایر و قلوب افراد آگـاه گردد و از اعمال و انگیزه های آن ها، مطلع شود و در روز رستاخیز «شهید اعمال» شود؟!

آیا صـحیح است که فیض الهی (که همان مغفرت و آمرزش است) در روز بازپسین بسان این جهان، از طریق اسباب خاصی به بندگان لایق و شایسـته خود می رسد و گنهکاران در چنین روزی از طریق شفاعت شخصیت های والایی بخشیده شده و مورد مغفرت حق قرار می گیرند؟!

آیا صحیح است، انسانی در طول زندگی گرد گناه نگردد و از

خطا و لغزش مصون بماند؟

(۲۰) متافیزیک یا آگاهی سوم

آیا صحیح است...؟!

این سؤال ها و مانند آن ها، در میان گروهی که به مسایل دینی علاقه دارند، بیشتر مطرح می گردد و پاسخ هایی نیز داده می شود.

برای تجزیه و تحلیل این گونه از مسایل، دو راه بیش وجود ندارد:

الف. با مراجعه به کتاب آسمانی و سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام ، می توان به این گونه پرسش ها پاسخ گفت، و شیوه دانشمندان اسلامی در اعصار گذشته در این گونه مسایل، همین

بوده است بالاخص که کفه قرآنی و حدیثی این پرسش ها بر جنبه های عقلی و استدلالی و فلسفی آن سنگینی می کند و دانشمندان عقاید و مذاهب، مسایل مربوط به ولایت الهی را در کتاب های خود با الهام از قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سخنان پیشوایان معصوم، تجزیه و تحلیل کرده و نظرهای خود را بیان کرده اند. و این مسایل یاد شده را تحت عنوان «علم به غیب»، «ولایت بر تصرف»، «آگاهان از ضمایر» و «شهیدان اعمال انسان های معصوم و پیراسته از گناه» طرح و بحث نموده اند.

ب. راه دیگر برای روشن شدن پاسخ این گونه پرسش ها این است که علاوه بر الهام از کتاب و سنت، مبانی علمی و فلسفی

مسایل را تا آن جا که خرد بشر پیش رفته، و علوم طبیعی آن را ثابت کرده است، تشریح گردد تا تشنگی جوانان علاقمند را در حدود امکان فرو نشاند و دست غرض ورزان و مقلدان و سرسپردگان را از حریم عقاید پاک جوانان، کوتاه سازد.

(۲۲) متافیزیک یا آگاهی سوم

نگارنده روی احساس وظیفه، پیرامون این گونه پرسش ها رساله هایی نوشته و منتشر ساخته است، و در تنظیم پاسخ ها کوشش نموده است که راه دوم را بپیماید و دلایل عقلی و نقلی موضوع را کنار هم قرار داده و خواننده را به مقصد برساند.

در این کتاب سعی شده است از افکار بلند فلاسفه اسلام و داوری های دانشمندان علوم طبیعی، کمک گرفته شود و موضوع

از دریچه ها و ابعاد گوناگون مورد مطالعه قرار گیرد. مطالبی که در این بخش به طور فشرده پیرامون آن به بحث خواهیم پرداخت عبارتند از:

۱. با حقیقت غیب آشنا شویم.

۲. بشر و امکان آگاهی از غیب.

۳. آگاهی پیشوایان ما از غیب، از جانب خداست.

۴. گفتار دانشمندان پیرامون آگاهی پیامبر و امام، از غیب.

۵. کتابهایی که پیرامون علم پیشوایان از غیب، نگاشته شده است.

(۲۴) متافیزیک یا آگاهی سوم

ص:۲۴

۶. قرآن و مسأله آگاهی سوم.

۷. خبرهای غیبی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله .

۸. نهج البلاغه و خبرهای غیبی علی علیه السلام .

۹. نمونه هایی از خبرهای غیبی دیگر پیشوایان علیهم السلام .

۱۰. پاسخ پرسش های دهگانه پیرامون آگاهی سوم.

۱۱. اگر پیشوایان آگاهند، چرا هدف تیربلا قرارمی گیرند.

۱۲. امام در زندگی عادی، از علم غیب استفاده نمی کند.

قرآن مجید در سوره کهف در آیه های ۶۴ ۸۲ یکی از اولیای الهی را برای جامعه مسلمان معرفی می کند که دارای عالی ترین مقام والای ولایت بود و این یادآوری برای این منظور است که

از بررسی حالات و مقامات او، به مقامات دیگر اولیای الهی، پی ببریم.

پیشگفتار (۲۵)

این ولی الهی که صفات او در قرآن وارد شده، و نام او به میان نیامده است، بر اثر پیمودن طریق عبودیت و بندگی به مقامی رسید که معلم و آموزگار شخصیت والا مقامی مانند حضرت موسی بن عمران علیه السلام گردید، وی در مصاحبت این ولی، اموری را از او مشاهده نمود که مایه تعجب و شگفتی او گردید.

وی بر اثر داشتن مقام ولایت سه عمل شگفت انگیزی را انجام داد که هرگز، با موازین عادی قابل تفسیر نیست:

۱. کشتی ای را که متعلق به بینوایان بود و فرمانروایی در

آن سوی دریا، کشتی ها را به یغما می برد، سوراخ کرد، تا مورد و طمع فرمانروای غارتگر نباشد.

۲. جوانی را کشت، زیرا می دانست که این جوان بزرگ شود، پدر و مادر پاک و صالح خود را به آلودگی خواهد کشید.

۳. دیواری را که در حال فرو ریختن بود با پا داشت زیرا می دانست که زیر این دیوار گنجی است که به دو فرد یتیم تعلق دارد. این کار را کرد تا گنج برای مدتی زیر دیوار مستور و پنهان بماند و هر موقع آن دو یتیم به حد رشد رسیدند گنج خود را استخراج کنند.

این ولی الهی (که اعمال شگفت انگیز او بیانگر مقام و

موقعیت و نحوه اعمال و تصرف های دیگر اولیای الهی است)، به عنوان نمونه در قرآن وارد شده است شما از عملیات شگفت آور این ولی به مطالب زیر می توانید پی ببرید، که می تواند پاسخ گوی بسیاری از پرسش ها باشد:

۱. در جامعه بشری اولیایی پیدا می شوند که از دیدگان، مستور و پنهان زندگی می کنند و افراد عادی آنان را نمی شناسند به گونه ای که حتی پیامبر زمان مانند موسی بن عمران آنان را بدون معرفی خدا نمی تواند، بشناسد.

۲. این ولی الهی به حکم آیه «وَ جَعَلْناهُمْ اَئِمَّهً یَهْدُونَ

(۲۸) متافیزیک یا آگاهی سوم

بِاَمْرِنا...» (۱) پیوسته به وظیفه هدایت خود مشغول بوده، چیزی که هست به جای جمع سازی به فردسازی می پردازد. و نیز از این آیه استفاده می شود که: ولیّ زمان، گاهی دعوت عمومی دارد و گاهی دعوت خصوصی، گاهی از طریق جامعه سازی و هدایت همگانی، انجام وظیفه می کند و احیانا از طریق تک سازی و هدایت آحاد، به وظیفه خطیر خود جامه عمل می پوشاند و هرگز لازم نیست اولیای الهی همه وقت آشکارا

به هـدایت عمومی اشـتغال ورزنـد، بلکه در امر هدایت تابع امر الهی بوده و در نحوه رهبری از او الهام می گیرند چنان که می فرماید: «یَهْدُونَ بِاَمْرِنا».

۱ ۷۳ / انبیاء.

۳. اولیـای الهی مرزهای زمان و مکان را به اذن الهی درهم شکسـته و آینـده را با دیـده دل مشاهـده می کننـد همچنان که این ولی از آینده کودک و پدر و مادر او آگاه گردید.

۴. اولیای الهی از قلوب و ضـمایر آگاه می باشـند چنان که این ولی خدا، از تصـمیم فرمانروا آگاه گردید. آن هم در لحظه ای که کشتیبان و سرنشینان آن آگاهی نداشتند.

۵. اولیای الهی در نفوس و اموال مردم تصرفاتی انجام می دهند که دیدگان عادی عمل آنان را مشاهده نمی کنند، همان طور که این ولی، کشتی را در برابر دیدگان کشتیبان، سوراخ کرد و کودک را در برابر انظار مردم کشت در حالی که مردم عمل او را ندیدند و تنها اثر او را مشاهده کردند.

۶. اولیای الهی در روی زمین، طبق مصالح افراد، تصرفاتی دارند و آن چنان نیست که امامت و پیشوایی آنان برای مردم سودی نداشته باشد و هر امام و ولیّ غایبی، از این طریق فیض خود را به امت می رساند.

پیشگفتار (۳۱)

از این بیـان فشـرده می توان به مقـام والای ولایت پی برد و کسانی که منطق قرآن را پـذیرفته انـد به بهترین وجه می تواننـد به انتقادات و اشکالات افراد در این رابطه پاسخ گویند.

امیـد آن که این خـدمت کوچک دراین روزگار که ارزش های اسـلامی و بالاخص آن چه که از اهل بیت پیامبراسـلام است، مورد تهاجم قرار گرفته مورد پذیرش پیامبر خاتم و فرزندان آن حضرت قرار گیرد.

جعفر سبحانی

قم ۳/۱۱/۱۳۷۸

(۳۲) متافیزیک یا آگاهی سوم

ص:۳۲

با حقیقت علمِ غیب «معرفت سوم» آشنا شویم

از بررسی موارد استعمال لفظ «غیب» این حقیقت به دست می آید که مقصود از «غیب» همان امور پنهان از حس بشر است یعنی اموری که از قلمرو ابزار آگاهی های عادی او بیرون می باشد. مثلاً هنگامی که آفتاب از دیدگان انسان مستور و پنهان می گردد می گویند: «غابَتِ الشَّمْسُ» آفتاب پنهان گردید.

قرآن چیزهایی را که از قلمرو حسن بشر بیرون می باشد «غائبه» می گوید، آن جا که می فرماید: «وَ ما مِنْ غائِبَهٍ

ِی السَّماءِ وَ الْاَرْضِ اِلّا فی کِتابٍ مُبینٍ»(۱)

باحقیقت علمِ غیب «معرفت سوم» آشناشویم (۳۳)

«هیچ امر پنهانی از آسمان و زمین نیست، مگر آن که در "کتاب مبین" مضبوط می باشد».

قرآن در آیات متعددی، خدا را با صفت «عالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهادَه» توصیف می کند، مقصود این است که علم او بر آن چه که از قلمرو حواس بشر خارج است، یا در قلمرو حواس او قرار دارد، محیط و مسلط می باشد و او از آن چه که از شما غایب

۱- ۷۵ / نمل.

یا برای شما محسوس است آگاه می باشد.

۱ ۷۵ / نمل.

(۳۴) متافیزیک یا آگاهی سوم

از این بیان دو مطلب می توان نتیجه گرفت:

۱. در زبان عرب نقطه مقابل «غیب»، لفظ «شـهادت» است و برای همین جهت است که قرآن خـدا را به «عالِمُ الْغَیْب وَ الشَّهادَه» توصیف می نماید.

پیامبر گرامی صـلی الله علیه و آله پس از پیام تاریخی خود در سرزمین غدیر فرمود: «اَلا فَلْیُبْلِغَنَّ الشّاهِدُ الْغائِبَ»(۱) (حاضران به غایبان

ص:۳۵

۱- اَلْفُصُولُ الْمُهِمَّهُ، تألیف ابن صَبّاغ مالکی، ص ۲۴ و غیره.

گزارش دهند).

۱ اَلْفُصُولُ الْمُهِمَّهُ، تألیف ابن صَبّاغ مالکی، ص ۲۴ و غیره.

امیر مؤمنان در نکوهش گروهی از یاران خود چنین فرمود:

«مالی أَراکُمْ اَشْباحا بِلا أَرْواحٍ... وَ اَیْقاظا نَوْما وَ شُهُودا غَیبا»(۱)

(چرا شما را جسم های بدون روان، بیدارهایی مانند خفتگان و حاضرانی، بسان غایبان می بینم).

۲. ملاک در تقسیم اشیاء، به غایب و حاضر، پنهان و

۱ نهج البلاغه عبده، خطبه ۱۰۴.

۱- نهج البلاغه عبده، خطبه ۱۰۴.

آشکار، علم محدود انسان است، از آن جا که برخی از اشیاء در محیط حس و علم او قرار دارند و برخی دیگر از قلمرو احساس و ابزار ارتباط او با خارج، بیرون می باشند، اشیاء و حوادث در نظر او به دو نوع تقسیم شده اند برخی حاضر و برخی دیگر غایب و پیرو همین تقسیم، آگاهی او نیز بر دو نوع منقسم گردیده است، آگاهی از غیب و آگاهی از شهادت و محور تمام این تقسیم ها علوم محدود و ابزار نارسای ادراکی انسانی است.

اگر این جهت را نادیده بگیریم و موجودات را با علم محیط خدا بسنجیم، علمی که تمام موجودات جهان از ریز و درشت،

باحقیقت علمِ غیب «معرفت سوم» آشناشویم (۳۷)

ص:۳۷

زمینی و آسمانی در پیشگان او حاضر است، یک چنین تقسیم مفهوم درستی نخواهد داشت، نه موجودی خواهیم داشت که از وجود و قلمرو علم او خارج باشد و نه آگاهی خواهیم داشت که نام آن را آگاهی از غیب بگذاریم، بلکه تمام ذرات جهان، در برابر علم بی کران او حاضر بوده و علم و آگاهی او شهود مطلق خواهد بود. اگر امیرمؤمنان خدا را با صفات «عالِمُ السَّرائِرِ وَ الضَّمائِرِ» توصیف می کند و می فرماید:

«قَدْ عَلِمَ السَّرائِرَ وَ خَبَرَ الضَّمائِرَ لَهُ الْإِحاطُهُ بِکُلِّ

شَیْ ءٍ وَ الْغَلَبَهُ بِکَلِّ شَیْ ءٍ»(۱)

(۳۸) متافیزیک یا آگاهی سوم

(خدا، از ضمایر و افکار درونی انسان آگاه است، بر همه چیز احاطه دارد، و بر هر چیز غالب و پیروز است).

اقسام غیب

اصول و ریشه های غیب را می توان در سه قسم خلاصه نمود:

۱ نهج البلاغه، خطبه ۸۲ چاپ عبده.

اقسام غیب (۳۹)

۱. موجوداتی که از افق حس انسان بیرون بوده، و هیچ گاه در قلمرو حس او قرار نمی گیرند. مانند ذات پروردگار جهان و

۱- نهج البلاغه، خطبه ۸۲ چاپ عبده.

حقیقت اسماء و صفات وی، و جنود غیبی خدا یعنی فرشتگان و شیوه کار آنان مانند تدبیر عالم خلقت، و جهان ارواح و جن و عالم برزخ و فرازهای مختلف آن، و رستاخیز و مواقف گوناگون آن و... .

حقایق این موجودات و کیفیات و خصوصیات آن ها از افق حس و ادراک انسان بیرون بوده و هیچ گاه بشر از حقیقت و خصوصیات کمی و کیفی آن ها آگاه نخواهد گشت و در برابر آن ها وظیفه ای جز ایمان به وجود آن ها ندارد و اگر قرآن یکی از صفات افراد پرهیزگار را ایمان به غیب می شمارد، مقصود ایمان

(۴۰) متافیزیک یا آگاهی سوم

ص:۴۰

به این گونه از غیب ها است آن جا که می فرماید:

«اَلَّذینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ...»(۱)

«کسانی که به غیب ایمان دارند».

آری، انسان فقط در یک صورت از حقیقت برخی از موجودات غیبی آگاه می گردد و می تواند فرشتگان و مواقف برزخ و عرصات محشر و نعیم های بهشتی و عذاب های دوزخی را از نزدیک مشاهد کند، و آن وقتی است که ظرف زندگی را

ص:۴۱

۱- ۳ / بقره .

دگرگون سازد، و گام در عالم غیب بگذارد و به تعبیر قرآن، دیده او تیزبین گردد(۱)

۳۱ / بقره .

اقسام غیب (۴۱)

۲. قسم دوم از اقسام غیب مکتشفات علمی بشر است خواه قوانینی را کشف کند که بر پهنه هستی طبیعت حکومت می کنند و یا پرده از روی موجوداتی بردارد که قرن ها از افق حس او بیرون بوده اند، هر کدام باشد همگی از اقسام آگاهی غیب حساب می گردند.

۱ «...فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (۲۲ / ق) .

(۴۲) متافیزیک یا آگاهی سوم

ص:۴۲

۱- «...فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (۲۲ / ق) .

مثلاً ـ روزگاری بشر از قانون جاذبه و قانون گریز از مرکز آگاه نبود و نمی دانست که کاخ بی ستون منظومه شمسی، و تمام کهکشان ها و سحابی ها بر اساس این دو قانون استوار است، از این جهت دو قانون و قوانین دیگری که بشر بعدها کشف کرد همگی از اقسام «مغیبات» بودند.

اگر قرآن به گونه ای از چنین قوانین خبر داده و فرموده است:

«اَللّهُ الَّذی رَفَعَ السَّمواتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها...»(1)

۲ ۱ / رعد .

اقسام غیب (۴۳)

ص:۴۳

۱- ۲ / رعد .

(خدایی که آسمان هارا بدون ستونی که دیده شود برافراشت).

این نوع گزارش، خبر از غیب بود و گزارش چنین قوانین مستور بر انسان های آن روز، خود یکی از جهات اعجاز قرآن به شمار می رود. روزگاری بشر از وجود سلول و میکروب و ملکول و اتم و جهان های دور از حس مانند کهکشان ها و سحابی ها و کیفیت آن ها، آگاه نبود.

اگر در قرآن و یا در سخنان پیشوایان معصوم، مطالبی در این مورد می رسد همگی یک نوع اخبار از غیب به شمار می رفت. ولی پس از آن که بشر از طریق تجربه و آزمایش، و با اختراع

(۴۴) متافیزیک یا آگاهی سوم

میکروسکوپ(۱) و تلسکوپ(۲)، بر این قوانین خارج از حس، و یا موجودات دور از قلمرو احساس دست یافت، همه آن ها از جهان غیب محسوب نمی شوند و در حوزه علوم و دانش های حسی بشر قرار گرفتند و آن چه که تاکنون بشر کشف نکرده و قوانینی که بر آن ها دست نیافته و موجوداتی را که بادیدگان مسلح خود ندیده است، هم چنان در شماره موجودات غیبی باقی مانده اند تا روزی که بشر با اراده خداوند بزرگ بتواند پرده

از روی آن ها بردارد.

۱ دستگاهی است برای دیدن میکروب ها.

۲ دستگاهی است برای رصد و دیدن ستارگان در آسمان.

اقسام غیب (۴۵)

۳. حوادث غیبی که در گذشته اتفاق افتاده و یا در آینده رخ خواهد داد. فرض کنید در خانه کسی، حادثه ای رخ داد، آگاهی چنین فردی، آگاهی از امر محسوس بوده و آگاهی از غیب نبود و اگر همان شخص همان حادثه را برای دیگران که در آن محل نبودند، بازگو کند گزارش از غیب نداده است.

ولی اگر کسی بدون آن که همان حادثه را ببیند و یا از کسی بشنود، و یا از طریق کتاب و روزنامه و دیگر وسایل ارتباط جمعی، از آن آگاه گردد و یا از قراینی آن را حدس بزنند؛ ناگهان

(۴۶) متافیزیک یا آگاهی سوم

ص:۴۶

به طور یقین از وجود آن حادثه ما را مطلع سازد؛ یک چنین گزارش، خبر از غیب خواهد بود.

بنـابراین گزارش هـای قرآن راجع به امت های پیشـین به وسـیله پیامبری که نه درس خوانـده و نه این مطلب را از فردی شـنیده است؛ خبر از غیب می باشد، چیزی که هست این گونه خبرهای غیبی از طریق وحی قرآنی به او رسیده است ولی در عین حال ممکن است پیامبر برخی از حوادث گذشـته را از طریق وحی قرآنی آگاه نگردد و در اختیار امت بگذارد، و این قسـمت همان حوادث غیبی مربوط به امت های پیشین است

اقسام غیب (۴۷)

ص:۴۷

که در سنت و اخبار وارد شده است.

در این گونه گزارش های غیبی گزارش از آینده نیز بسان گزارش از گذشته، آگاهی از غیب خواهد بود.

فرق پیش بینی و علم غیب

یگانه شرط خبر از آینده این است که گزارش به یک رشته قراین مستند نباشد و گرنه چنین گزارشی، خبر غیبی نبوده بلکه نتیجه مستقیم فکر و مغز بالنده بشر خواهد بود.

برخی بر اساس یک رشته اطلاعاتی که از وضع دولت ها و ملت ها دارند، اوضاع آینده جهان را از نظر درگیری و جنگ، و یا

صلح و مسالمت، پیش بینی کرده و اخباری را منتشر می سازند. یک چنین گزارش های مستند به قراین و اطلاعات و تماس های دیپلماتیک، گزارش از غیب نیست، بلکه تمام گزارش های آنان، یک رشته نتیجه گیری و اطلاع از اوضاع جهان است.

(۴۸) متافیزیک یا آگاهی سوم

و اگر این اطلاعات از دست آنان گرفته شود، بزرگ ترین دیپلمات جهان، با یک فرد عادی تفاوتی نخواهد داشت. و چون این گونه آگاهی یک نوع نتیجه گیری از اطلاعات پیشین است نه القای از جهان بالا، از این جهت گاهی، نظرات و گفته های آنان باطل از آب در می آید.

فرق پیش بینی و علم غیب (۴۹)

ص:۴۹

کارشناسان امور اقتصادی و دارایی و کشاورزی، بر اثر سوابق طولانی در رشته های اختصاصی خود، به ضمیمه کسب اطلاعات دقیق، آینده را پیش بینی می کنند و مرور زمان صدق و درستی نظر آنان را ثابت می کند، در صورتی که نام هیچ کدام از این ها را نمی توان معرفت سوم و یا آگاهی از غیب نامید ؛ زیرا همه این گزارش ها، مقدمات فکری و ریشه های حسی دارد، و هر فردی از این راه وارد شود به نتیجه مطلوب می رسد.

آگاهی از غیب باید از تمام این قراین و مبادی، پیراسته باشد و از طریق اسباب عادی و مجاری علمی به دست نیاید.

(۵۰) متافیزیک یا آگاهی سوم

ص:۵۰

از بـاب نمونه پیامبر اسـلام از طریق وحی قرآنی، از پیروزی مجـدد رومیان بر پارسـیان در مـدت محـدودی به طور قطع و یقین گزارش داد و فرمود:

«...وَ هُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَیَغْلِبُونَ. فی بِضْعِ سِنینَ...»(۱)

(آنان را پس از شکست، مجددا پیروز می گرداند آن هم در مدت بسیار کم به مدت سه سال تا نه سال).

برای گزارش پیامبر، مستندی جز وحی الهی نبود و هرگز این

۳۱ و ۴ / روم .

فرق پیش بینی و علم غیب (۵۱)

ص:۵۱

۱- ۳ و ۴ / روم .

آگاهی را از مجاری و اسباب عادی مانند موازنه قدرت های نظامی دو ملت، بررسی روحیه سربازان و افسران و... به دست نیاورده بود. وی در محیط حجاز بریده از جهان خارج، با نبودن وسایل ارتباط جمعی و یا تبادل اطلاعات نظامی و سیاسی، یک چنین گزارشی را در اختیار جامعه نهاد و به همین دلیل این گونه خبرهای غیبی یکی از جهات اعجاز این کتاب جاویدان به شمار می رود.

روی این اساس، گزارش های منجمان و ستاره شناسان و اداره هواشناسی کشورها و منطقه ها همه و همه از قلمرو بحث ما

ص:۵۲

بیرون است ؛ زیرا آنان تمام نتایج و گزارش های خود را از یک رشته تجارب علمی و کسب اطلاعات و تبادل نظرها به دست می آورند و این در به روی تمام افرادی که بخواهند وارد شوند، مفتوح و باز است.

(۵۲) متافیزیک یا آگاهی سوم

بشر و آگاهی از غیب

این روزها لفظ «اَبَرْ» بر سر زبان ها افتاده و کلماتی مانند «ابر کامپیوتر»، «ابر قدرت»، «ابر مرد»، در جراید و مجلات بلکه در مکالمات روزانه مردم دیده و شنیده می شود، به همین مناسبت ما برای آگاهی خارج از افق حس و فکر لفظ «ابر آگاهی» را

ص:۵۳

انتخابی نمودیم.

بشر و آگاهی از غیب (۵۳)

زندگی هر بشری از «ناآگاهی» شروع شده و کم کم وارد محیط آگاهی می گردد و به تدریج روزنه هایی به دنیای خارج از ذهن پیدا می کند.

نخست از طریق حواس ظاهری به حقایقی دست می یابد، سپس بر اثر تکامل دستگاه تعقل و تفکر، کم کم با حقایقی که از قلمرو حس و لمس بیرون می باشد آشنا می گردد و در نتیجه یک فرد عقلانی و استدلالی گشته و از یک رشته حقایق کلی و قوانین علمی آگاه می شود.

(۵۴) متافیزیک یا آگاهی سوم

ص:۵۴

گاهی در میان افراد بشـر «ابر آگاهانی» پیدا می شوند که از طریق الهام، از مطالبی آگاه می گردند که هرگز از طریق استدلال راهی به کشف آن ها وجود ندارد.

از ایـن جهت دانشـمندان، ادراک بشـر را به این سه نـوع «ادراک تـوده مردم» و «ادراک اسـتدلال گران و متفکران» و «ادراک عارفان و روشن بینان» تقسیم کرده اند.

تو گویی ظـاهر بینـان به کمک حس، متفکران به مـدد اسـتدلال و روشن بینان به یاری الهام و اشـراق از جهان بالا، به کشـف حقایق می پردازند.

بشر و آگاهی از غیب (۵۵)

نوابغ جهان، فیلسوفان و دانشمندان تأیید می کنند که یافته ها و ساخته ها و پرداخته های بی سابقه آنان، بیشتر بر اثر جرقه های روشـنی بخش و الهام آمیز، به ذهن آنان خطور کرده و سـپس آن ها به یاری شیوه های تجربی و یا روش استدلالی به پرورش و تکمیل و تحقیق آن ها مبادرت جسته اند.

(۵۶) متافیزیک یا آگاهی سوم

ص:۵۶

راه های سه گانه معرفت

راه های سه گانه معرفت

از این مقـدمه اسـتفاده می شـود که: بشـر برای نیـل به مقصـود، سه شـاهراه در اختیـار دارد، توده مردم غالبـا از طریق نخست و گروهی از راه دوم و افراد انگشت شماری بر اثر تکامل روحی از راه سوم استفاده می کنند.

۱. راه تجربی و حسی

مقصود از این قسم آن رشـته ادراکاتی است که از طریق حواس برونی وارد قلمرو ذهن می گردنـد مثلاً هر یک از دیدنی ها و چشیدنی ها و بوییدنی ها و... از طریق ابزار ویژه خود، در محل

ادراکات ماقرارمی گیرند و امروزاختراع تلسکوپ ومیکروسکوپ و رادیو و تلویزیون و... کمک های شایان تقدیری به ادراکات بشر نموده و او را بر دور و نزدیک مسلط ساخته است.

۲. راه استدلالی و تعقلی

متفکران جهان با به کار انداختن دستگاه تعقل و اندیشه، از یک رشته مقدمات بدیهی و روشن و ثابت در علوم، یک رشته قوانین کلی خارج از حس را کشف می کنند و قله هایی از معرفت و کمال را تسخیر می نمایند. قوانین کلی علوم به قید کلیت، مسایل فلسفی و آگاهی های مربوط به خدا و صفات و افعال او،

(۵۸) متافیزیک یا آگاهی سوم

و مسایلی که در علم عقاید و مذاهب مطرح می گردد،همگی مولود دستگاه تفکر و نتیجه به کار افتادن نیروی عقل انسانی است.

۳. راه الهام و اشراق

این راه، واقعیت شناسی سومی است که در ورای دستگاه حس و تعقل قرار دارد، یک نوع واقعیت شناسی نوی است که امکان آن از نظر علم و دانش قابل انکار نیست، البته نظام جهان بینی محدود مادی نمی تواند یک چنین ادراک غیر حسی و تعقلی را بپذیرد اما از نظر اصول علمی راهی برای انکار آن وجود ندارد.

راه های سه گانه معرفت (۵۹)

ص:۵۹

به گفته یکی از روان شناسان، جنبه های تجربی، به وسیله حواس شناخته می شود و جنبه های عقلانی به واسطه اندیشه منطقی و ریاضی به مرحله ادراک می رسد و سرانجام بر اثر اشراق و الهام، جلوه هایی از جنبه های ماورای حس و استدلال، روشن بینی های برق آسا و جرقه های روشنگر که ذهن حساس نوابغ، از آن ها برخوردار است به مقام رؤیت می رسند.

پروفسور «سوروکین» روان شناس معروف یکی از آن افرادی است که وجود سه شاهراه حقیقت شناسی را به روشنی تصدیق کرده و برای ادراک عرفانی و به اصطلاح الهام، مقام و منزلتی

(۶۰) متافیزیک یا آگاهی سوم

ص:۶۰

ویژه قایـل است و صـریحا می گویـد: نمی توان این راه را تخطئه و تحقیر نمود مگر می توان آموزش گسترده ادیـان بزرگ را یک سره به تقلید کوته بینان نظام مادی ناچیز و بی حکمت شمرد و برای آن ارزشی قایل نگشت.

بنابراین می توان معرفت های سه گانه رابه شرح زیرنام گذاری کرد:

۱. راه حس یا حس آگاهی.

۲. راه عقل یا خرد آگاهی.

۳. راه الهام یا دل آگاهی.

امروز روان شناسی الهام را به صورت یک واقعیت روانی

راه های سه گانه معرفت (۶۱)

پذیرفته و آن را چنین توصیف می کند: ادراک ناگهانی، آگاهی بخش توضیح دهنده یک باره و بدون مقدمه، که چون برقی لامع در صفحه ذهن می درخشد بی آن که حتی غالبا پیشاپیش درباره آن اندیشیده باشد.

اهمیت و نفوذ الهام در اکتشافات علمی مورد تأیید دانشمندان قرار گرفته است «آلبرت انیشتن» که در سال ۱۸۷۹ دیده به جهان گشوده و در سال ۱۹۵۵ درگذشته است، با بسیاری از فلاسفه و عرفا هماهنگ گشته و بسان برخی از دانشمندان اسلامی که الهام را کلید معارف می دانند ولی الهام را عامل پر

ص:۶۲

ارج در اکتشافات علمی می داند.

(۶۲) متافیزیک یا آگاهی سوم

در سال ۱۹۳۱ دو دانشمند شیمی دان آمریکایی به نام «یلات» و «پیکر» پرسش نامه ای برای تحقیق، درباره اهمیت الهام در کشف و حل مشکلات علمی، میان گروهی از دانشمندان شیمی پخش کردند و نتایج بسیار ارزنده آن انتشار یافته است.

یکی از دانشمندان، مورد سؤال را این طور پاسخ داده است: درباره حل مسأله ای کار و فکر کردم، ولی در اثر اشکالات و ابهامات فراوان آن، تصمیم گرفتم که دیگر به کلی کار خاص به آن و تمام افکار مربوط به آن را کنار بگذارم، فردای آن روز در

راه های سه گانه معرفت (۶۳)

حالی که سخت مشغول کاری کاملاً از نوع دیگر بودم یک باره (فکر ناگهانی) مانند جهش برق، در خاطرم خطور کرد و آن همان حلّ مسأله ای بود که مرا به کلی مأیوس کرده بود.

نظیر این گزارش از «هانری یوانکاره ۱۹۱۲ ۱۸۵۴» ریاضی دان نامی فرانسه و بسیاری از دانشمندان طبیعی، ریاضی و فیزیک نقل شده است:

جالب توجه این است که بسیاری از الهام های علمی که سبب کشف واقعیتی پرارج شده است نه تنها با اشتغال و تمرکز فکری دانشمندان در زمان فعالیتشان ارتباط نداشته است، بلکه حتی با

رشته تخصصی آنان نیز دارای رابطه نزدیک نبوده است. شاهد گویای این مطلب است که مثلًا «لویی پاستور ۱۸۲۲ ۱۸۹۵» با این که متخصص در شیمی بوده به کشف میکروب موفق شده است.

الهام و الکسیس کارل

از میان دانشـمندان معاصـر آقای «الکسـیس کارل» از جمله افرادی است که برای الهام، ارزش خاصـی قایل شده است و معتقد است که روشن بینـان بـدون اسـتفاده از اعضـای حس خود، افکـار دیگران را درک می کننـد و حوادث دور از لحاظ مکان و زمان را کم و بیش می بینند و آن را یک موهبت اسـتثنایی می داند که جز افراد معدودی از آن برخوردار نیستند. این دانشمند نامی کوشـیده است که در این بحث مطالب علمی و یقینی را از مطالب و مسایل احتمالی جـدا کنـد. و انسان را چون مجموعه مطالعات

(۶۶) متافیزیک یا آگاهی سوم

و تجربیاتی که در تمام اعصار و همه کشورها شده در نظر بیاورد و آن چه را نگاشته یا خود دیده و یا از دانشمندانی که با او همکاری کرده اند فراگرفته و توانسته است بسیاری از شکل های فعالیت های انسانی را مطالعه کند. در این جا برای این که خوانندگان گرامی با نظریه این دانشمند درباره الهام بیشتر آشنا شوند خلاصه گفتار او را می آوریم:

می نویسد: «به یقین اکتشافات علمی تنها محصول و اثر فکر آدمی نیست و نوابغ علاوه بر نیروی مطالعه و درک قضایا، از خصایص دیگری چون اشراق برخوردارند با اشراق چیزهایی را

الهام و الکسیس کارل (۶۷)

ص:۶۷

که بر دیگران پوشیده است می یابنـد و روابط مجهول بین قضایایی را که ظاهرا با هم ارتباط ندارنـد می بینند و وجود گنجینه های مجهول را به فراست درمی یابنـد، تمام مردان بزرگ از موهبت اشـراق برخوردارنـد و بـدون دلیل و تحلیل، آن چه را که دانسـتنش اهمیت دارد می دانند، یک مدیر واقعی احتیاجی به محک های هوش و اوراق اطلاعاتی برای انتخاب مرئوسین خود ندارد. یک قاضـی خوب بدون توجه به جزئیات مواد و تبصره های قانونی و حتی گاهی به گفته «کاردوزو» با در دست داشتن ادعانامه غلط می تواند حکم صحیح بدهد، یک دانشمند

ص:۶۸

بزرگ خود به خود به سوی راهی که منجر به کشف تازه ای خواهد شد کشانده می شود این همان کیفیتی است که پیشتر، الهام نامیده می شد.

(۶۸) متافیزیک یا آگاهی سوم

دانشمندان را می توان به دو دسته تقسیم کرد: یکی منطقی و دیگری اشراقی، ترقی علوم، مرهون این هر دو دسته است در علوم ریاضی که اساس و پایه کاملاً منطقی دارد، نیز اشراق سهم به سزایی دارد. میان ریاضی دانان هم اشراقی می توان یافت و هم منطقی، «هرمیت» و «ایراشتراس» اشراقی، «برتران» و «ریمان» منطقی، بودند. روشن بینان بدون استفاده از اعضای

حس خود، افکار دیگران را درک می کنند و حوادث دور از لحاظ زمان و مکان را کم و بیش می بینند و از بعضی اشیاء و قضایا اطلاعات مطمئن تری از آن چه با اعضای حس درک می شود می دهند برای فرد روشن بین خواندن افکار شخصی دیگر، به اندازه توصیف چهره وی آسان است ولی کلمات «دیدن» و «حس کردن» برای بیان آن چه در شعور وی می گذرد کافی نیست چون چیزی را نمی بیند در جایی جستجو نمی کند بلکه فقط «می داند».

الهام و الکسیس کارل (۶۹)

در بسیاری از موارد هنگام مرگ یا هنگام مواجه شدن با یک

(۷۰) متافیزیک یا آگاهی سوم

خطر بزرگ، بین فرد با فرد دیگر ارتباطی برقرار می شود و کسی که در بستر مرگ افتاده و یا قربانی حادثه ای شده است برای یک لحظه، به شکل عادی خود، به نظر یکی از دوستان نزدیکش می رسد، اغلب این شبح خیالی، خاموش و ساکت می ماند و گاهی نیز سخن می گوید و مرگ خود را خبر می دهد و نیز گاهی، روشن بین از فاصله بعید می تواند منظره یا شخص یا صحنه را ببیند و آن را با دقت ترسیم و توصیف کند و چه بسیار کسانی که در حال عادی روشن بین نیستند ولی در طول عمر خود یکی دوبار این قبیل ارتباطات را تجربه کرده اند.

الهام و الکسیس کارل (۷۱)

ص:۷۱

به این ترتیب گاهی شناسایی دنیای خارج، از راه های دیگری به جز اعضای حسی برای ما میسر می شود. شکی نیست که فکر می توانـد حتی از فواصـل دور، دو فرد انسـان را مسـتقیما بـا هم مربوط کنـد این قضایا که مطالعه آن ها در عهـده علم جـدید «متاپسیشـیک» است بایـد همـان طوری که هست پـذیرفته شود زیرا حقـایقی در بردارد و جنبه ای از وجود انسـانی را که هنوز خوب شناخته نشده است معرفی می کند و شاید بتواند علت

ص:۷۲

روشن بینی فوق العاده برخی ها را برای ما روشن سازد»(۱)

(۷۲) متافیزیک یا آگاهی سوم

بنابراین ادراک حسی و تعقلی دو وسیله است برای روح انسانی که تسلط او را بر قسمتی از جهان خارج تأمین می کند ولی در عین حال برای روح انسان وسیله دیگری توصیف نشدنی وجود دارد که ارتباط او را با جهان خارج برقرار می نماید و نتیجه آن امور زیر است که مورد تصدیق همه دانشمندان می باشد:

۱ به کتاب انسان، موجود ناشناخته، ص ۱۳۵ ۱۳۷ مراجعه شود.

الهام و الکسیس کارل (۷۳)

۱- به کتاب انسان، موجود ناشناخته، ص ۱۳۵ ۱۳۷ مراجعه شود.

۱. اکتشافـات علمی محصـول و اثر تنهـا فکر آدمی نیسـت و نوابـغ علاـوه بر نیروی مطـالعه و درک قضایـا از نیروی الهـام نیز برخوردارند.

۲. روشن بینان بدون اسـتفاده از اعضای حسـی خود افکار دیگران را درک می کنند تا آن جا که برای فرد روشن بین خواندن افکار شخص دیگر، به اندازه توصیف چهره وی آسان است.

۳. هنگام مرگ با پیش آمـدن خطر مابین فرد و فرد دیگر، ارتباطی برقرار می شود و کسـی که در بستر مرگ افتاده، برای یک لحظه به شکل عادی خود به نظر یکی از دوستانش می رسد.

۴. روشن بین می تواند از فاصله بعید، منظره یا شخص یا صحنه ای را ببیند و آن را با دقت ترسیم و توصیف کند.

دریچه هایی به سوی جهان اسرارآمیز غیب

دریچه هایی به سوی جهان اسرارآمیز غیب

خـدا از لطف و مرحمتی که نسبت به بندگان خود دارد، دریچه هایی را به سوی جهان غیب بازگذارده است تا همگان بدانند که آگاهی از غیب یک امر محال و غیر ممکن نیست بلکه تسلط انسان بر غیب امری است صد در صد ممکن ؛ که جای هیچ شک و تردید در آن وجود ندارد.

دریچه هایی به سوی جهان اسرارآمیز غیب (۷۵)

ص:۷۵

۱. وحی به حیوانات

کارهای شگفت انگیز حیوانات که در کتاب های حیوان شناسی، جانورشناسی، حشره شناسی به طور گسترده پیرامون آن ها بحث شده است نمونه واضحی از وجود الهام در حیوانات است.

کارهای محیرالعقول جانداران از قبیل تقسیم کار، انتخاب وظیفه، ساختن عضو مفقود و آشنایی به کلیه نیازمندی های زندگی را نمی توان از راه تعقل و تفکر توجیه نمود. زیرا بدیهی است که حیوان فاقد دستگاه تفکر و تعقل است هم چنان که نمی توان

ص:۷۶

آن ها را معلول نظم داخلی و ارگانیزم وجود خارجی جانداران دانست زیرا ترکیب خواص فیزیکی و شیمیایی یک موجود برای انجام امور ابتکاری و ابداعی مانند تقسیم کار، انتخاب وظیفه، تجدید ساختمان عضو مفقود و انطباق با محیط، کافی نمی باشد.

(۷۶) متافیزیک یا آگاهی سوم

یک ماشین حساب ممکن است آن چنان منظم ساخته شود که اعمال جمع و تفریق و ضرب و تقسیم را دقیقا انجام دهد اما هرگز ماشین حساب قادر به ابداع و ابتکار یک قاعده ریاضی نیست، یک ماشین ترجمه می تواند دقیقا سخنان یا نوشته یک

نفر را ترجمه کند ولی هرگز نظم دقیق آن ماشین قادر به تصحیح اشتباه گوینده نمی باشد.

چون در زنـدگی حیوانـات کارهای ابـداعی و ابتکاری بی سابقه دیـده می شود، جز این که آن ها را معلول الهام از جهان بالا بدانیم توجیه دیگری ندارد و قرآن مجید نام چنین راه یابی را وحی نهاده است(۱)

۱ ۶۸ / نحل. مشروح این بحث را می توانید در کتاب راه خداشناسی تألیف نگارنده، ص ۲۴۵ ۲۶۲ بخوانید.

۱- ۶۸ / نحل. مشروح این بحث را می توانید در کتاب راه خداشناسی تألیف نگارنده، ص ۲۴۵ ۲۶۲ بخوانید.

۲. روشن بینی و تله پاتی

دانشمندان می گویند در نهاد انسان استعداد مرموزی وجود دارد که به مدد آن می تواند افکار دیگران را بخواند و از حوادثی که در نقـاط دور دست رخ می دهـد، بـا نیروی مافوق حس، آگاهی پیـدا کنـد مبادله افکار و احساسات از راه دور به واسـطه حس مخصوص کاملاً ـ یـک امر عملی است هر چنـد از طریق وسایل فنی نوین از قبیل تلویزیون، رادیو، تلفن و تلگراف، افکار را مبادله می کنند ولی دانش، برای چنین مبادله ای راه دیگری به نام «تله پاتی» و یا حس روشن بینی معتقد است.

دریچه هایی به سوی جهان اسرارآمیز غیب (۷۹)

ص:۷۹

فرق «تله پاتی» با روشن بینی این است که روشن بینی همان قدرت درک اتفاقی است از فاصله های دور زمانی و مکانی، آن هم بدون وسایل حسی، ولی «تله پاتی» کیفیتی است که به وسله آن افکار و هیجانات و احساسات از مغزی به مغز دیگر بدون وسیله حس منتقل می شود و در حقیقت روشن بینی و تله پاتی دو روی یک سکه هستند و هر دو نام مناسبی می باشند برای دید دوم انسان، چه در خواب و چه در بیداری.

(۸۰) متافیزیک یا آگاهی سوم

ص:۸۰

۳. ارتباط با ارواح

ارتبـاط بـا ارواح به صورت هـای مختلفی انجـام می گیرد که صورت روشن و قابل اعتماد آن این است که اسـتاد ماهر این فن شخصـی را که برای این کار آمادگی دارد، با نگاه و تلقین، خواب می کند و روح او به سؤالات استاد پاسخ می دهد و گاهی در این تماس از اسرار نهفته پرده برداشته می شود.

تماس با ارواح به صورت «علمی» از جهات گوناگون قابل مطالعه می باشـد در این زمینه کتابها و رساله های فراوانی به وسـیله دانشمندان شرق و غرب نگارش یافته و صفحات زیادی

ص:۸۱

از برخی دایره المعارف های علمی را به خود اختصاص داده است.

دریچه هایی به سوی جهان اسرارآمیز غیب (۸۱)

دانشـمندان این فن و کسانی که سالیان دراز در این راه کوشیده اند اظهار می دارند که نتوانسته اند با مجاهدت های پی گیر و آزمـایش هـای فراوان از روی گـوشه ای از جهـان مرمـوز و ناشـناخته ارواح، پرده بردارنـد و کارهـای خـارق عـادت و حیرت انگیزی را که به وسـیله آن هـا انجـام می شود از نزدیک مشاهـده نماینـد، نویسـنده دایره المعارف قرن بیسـتم در جلـد چهارم کتاب خود، درباره روح، جدولی را که نام دانشمندان

(۸۲) متافیزیک یا آگاهی سوم

ص:۸۲

مشـهور که به واقعیت این علم اعتراف کرده اند ارائه می دهد. در این جدول نام چهل و هفت نفر از دانشمندان بزرگ فرانسه، انگلستان، ایتالیا، آلمان و آمریکا را ذکر می کند.

البته بایـد دانست که «ارتباط با ارواح به طور اجمالی مطلبی است صـحیح، ولی هرگز نمی توان گفتار هر مدعی را در این باره پذیرفت بلکه باید با قراین و علایم راستگویان را از دروغگویان تمیز داد».

دریچه هایی به سوی جهان اسرارآمیز غیب (۸۳)

ص:۸۳

۴. الهام به افراد

گاهی ممکن است مطلبی به قلب القا شود و انسان یک مرتبه خود را بر مطلب واقف و آگاه ببیند به این نوع القا در اصطلاح، الهام می گویند.

این گونه الهامات به قدری در هر زمان و مکان فراوان است که باید آن را در ردیف حوادث معمولی قرار داد حتی منشأ بسیاری از اختراعات و اکتشافات علمی و ابتکارات و مضامین عالی شعری همین الهام است.

قرآن مجید نمونه ای در این مورد نقل می کند و می فرماید:

«وَ اَوْحَیْنا اِلی اُمِّ مُوسی اَنْ اَرْضِعیهِ...»(۱)

(به مادر موسی الهام کردیم که کودک خود را شیر ده).

۵. خواب های راستین

خواب انواع و اقسامی دارد که یک نوع آن مورد نظر ما است و آن خواب هایی است که از یک واقعیت جدا از اندیشه و ذهن، از واقعیتی محکم و استوار و پابرجا گزارش می دهد. این نوع خواب های الهی است که ما را با جهان خارج از خود مربوط

۱- ۷ / قصص.

می سازد و از روی حقایقی دور از محیط ذهن و انـدیشه پرده برمی دارد و این قبیل خواب ها به اندازه ای زیاد است که هرگز نمی توان آن را انکار کرد.

۱ ۷ / قصص.

امام صادق علیه السلام درباره این نوع خواب ها فرموده است:

«اِنَّ الرُّؤْیَاالصّادِقَهُ جُزْءٌ مِنْ سَبْعینَ جُزْءً مِنَ النُّبُوَّهِ».(۱)

(رؤیای صادق، بخشی از هفتاد جزء نبوت است).

۱ بِحارُالْاَنْوار: ۵۸/۱۶۷.

۱- بِحارُالْاَنْوار: ۵۸/۱۶۷.

ابر آگاهی و فلاسفه اسلام

۱. شیخ الرئیس ابو علی سینا در کتاب «اشارات» در «نمط هشتم» می گوید:

اگر عـارفی از غیب خبر داد و آینـده، درستی آن را ثـابت کرده او را تصـدیق کن و به او ایمـان بیـاور زیرا چنین آگـاهی یک رشته اسباب طبیعی دارد.

و نیز در «تنبیهات» این نمط به برهان این مطلب اشاره کرده و می گوید:

وقتی اشتغالات روح از طریق حواس کم شد، برای روح

ص:۸۷

انسان، فرصتی دست می دهد که خود را از دست قوای طبیعی خلاص کرده و به جانب قدس پرواز کند و صورت هایی را در آن جا ببیند و این حالت گاهی در خواب و در حال بیماری برای انسان های عادی نیز رخ می دهد.

ابرآگاهی و فلاسفه اسلام (۸۷)

و نیز در جای دیگر می گوید:

و اگر به تو گفتند که فلان عارف، کاری انجام می دهد و یا به جسمی حرکت می بخشد یا خود حرکتی می کند که از توانایی دیگران بیرون است این سخن را انکار مکن زیرا برای این کار یک رشته اسباب وجود دارد که اگر تو نیز از آن راه وارد شوی

ص:۸۸

به همان مقصد می رسی.

(۸۸) متافیزیک یا آگاهی سوم

و باز می گوید:

تجربه و آزمایش به روشنی ثابت کرده است که انسان در موقع خواب می تواند با جهان خارج تماس بگیرد و اطلاعاتی کسب کنـد، اکنون چه مـانعی دارد که انسـان در موقع بیـداری دارای چنین قـدرتی باشـد و تجربه و آزمایش نیز این حقیقت را ثابت کرده است.(۱)

۱ اشارات: ۳/۳۹۷ و ۳۹۹ و ۴۰۷ و ۳۱۴.

۱- اشارات: ۳/۳۹۷ و ۳۹۹ و ۴۰۷ و ۳۱۴.

۲. شـیخ شـهاب الدین سـهروردی که در فلسفه الهی و ریاضات نفسانی عالمی کم نظیر بود درباره آگاهی انسان از غیب چنین می گوید:

هر وقت شواغل حواس ظاهری کاهش یافت، در این وقت، نفس انسان از دست قوای طبیعی رهایی جسـته و بر یک رشته امور غیبی تسلط می یابد. سپس می گوید:

اگر انسان های کامل مانند پیامبران و اولیا از غیب خبری دهند به خاطر نوشـته هایی است که می بینند و یا امواج و یا صداهای دل انگیز و هولناکی است که می شنوند و یا

(۹۰) متافیزیک یا آگاهی سوم

صورت هایی است که مشاهده می کنند و با آنان سخن می گویند سپس از غیب خبر می دهند.(۱)

هدف از نقل این کلمات این است که روشن گردد دانشمندان و پی افکنان علوم بشری از گذشته و حال، آگاهی از غیب را برای بشر یک امر ممکن بلکه واقع شدنی تلقی می کنند. جایی که آگاهی از غیب برای بشر معمولی ممکن واقع شده باشد در امکان آن برای پیامبران و امامان معصوم جای شک و تردیدی

۱- حکمت اشراق، مقاله پنجم.

باقی نخواهد ماند.

۱ حکمت اشراق، مقاله پنجم.

ابرآگاهی و فلاسفه اسلام (۹۱)

در پایان این بخش لازم است نکته ای را تذکر دهیم:

هدف از نقل سخنان دانشمندان دیروز و امروز این است که بدانیم علوم بشری، موضوع آگاهی از غیب را، یک امر ممکن بلکه محقَّق، تلقی کرده است و با چنین تصدیق و توصیف، نباید در امکان آن شک و تردید داشته باشیم.

ولی باید توجه داشت که آگاهی پیامبران و امامان معصوم بر غیب، از طریقی است، غیر از طریق های عادی که در این بخش پیرامون آن ها سخن گفتیم.

(۹۲) متافیزیک یا آگاهی سوم

معرفت سوم پیامبران و امامان بر اساس تعلیم الهی است

آگاهی پیامبران و پیشوایان معصوم از غیب، دوگونه تصور می شود:

۱. بدون تعلیم الهی، آگاه باشند.

۲. خدای آگاه، به پیامبران تعلیم کرده باشد و امامان نیز هر کدام از امام قبل و سرانجام از پیامبر آموخته باشند و یا خداوند از راه دیگری به آنان تعلیم کرده باشد.

دانشمند شیعه همگی تصریح کرده اند که آگاهی پیامبر و امام از غیب، ذاتی و بدون تعلیم الهی نیست و به گونه دوم یعنی به

علیم الهی است و کسانی که علم امامان علیهم السلام را ذاتی و بدون تعلیم الهی بدانند و علم آنان را به گونه علم الهی بدانند از «غُلاه»(۱) به شمار می آیند و اصولاً این عقیده مستلزم شرک می باشد. در این جا لازم است توجه خواننده عزیز را به مطلبی که در بحث های آینده این کتاب نیز سودمند است جلب کنیم:

با مراجعه به روایات و گفته های دانشمندان بزرگ روشن

۱ غُلاه کسانی هستند که امامان علیهم السلام را از دایره بشر بودن خارج دانسته و برخی از صفاتی که اختصاص به خدا دارد برای آنان ثابت می دانند.

۱- غُلاه کسانی هستند که امامان علیهم السلام را از دایره بشر بودن خارج دانسته و برخی از صفاتی که اختصاص به خدا دارد برای آنان ثابت می دانند.

می شود که در زمان پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام و نیز در دوره های بعد، گاهی از واژه «علم غیب» علم ذاتی و بدون تعلیم الهی فهمیده می شده است و از این جهت در آیات و روایات و نیز در کلمات دانشمندان مکررا تصریح شده است که آگاهی پیامبر و امام از غیب، ذاتی نیست، بلکه به تعلیم الهی و از راه وحی و غیره و یا آموختن از پیامبر و امام قبلی است.

و اینک متن برخی از روایات و گفتارهای دانشمندان.

۱. بعد از پایان جنگ جمل، علی علیه السلام در بصره خطبه ای خواند و در ضمن آن خطبه از برخی حوادث آینده خبر داد یکی

از یاران آن حضرت با تعجبی فراوان به ایشان گفت: «لَقَدْ أَعْطیتَ یا أَمیرَالْمُؤْمِنینَ عِلْمَ الْغَیْبِ!» آیا شما «علم غیب» دارید و این جمله اشاره به این بود که علم غیب اختصاص به خدا دارد زیرا خدا است که ذاتا به همه چیز آگاه است.

آن گرامی در پاسخ او خندید و گفت: «لَیْسَ هُوَ بِعِلْمِ الْغَیْبِ وَ اَنَّما هُوَ تَعَلُّمٌ مِنْ ذی عِلْمٍ...».

(این که من از حوادث آینده خبر می دهم «علم غیب» ذاتی و بدوت تعلیم الهی نیست بلکه به وسیله پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من

تعلیم شده است...)(۱)

(۹۶) متافیزیک یا آگاهی سوم

۲. یحیی بن عبدالّله بن الحسن به امام هفتم علیه السلام گفت: فدایت شوم اینان (گروهی از مردم) عقیده دارند که شما «علم غیب» دارید.

حضرت در پاسخ او فرمود: ... نه به خدا سوگند آن چه ما می دانیم از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ما رسیده و از آن حضرت

۱ نهج البلاغه،خطبه ۱۲۴؛شرح نهج البلاغه ابن میثم:۱/۸۳ و۸۵ ۳/۱۳۸ ۱۴۱.

۱- نهج البلاغه،خطبه ۱۲۴؛شرح نهج البلاغه ابن میثم:۱/۸۳ و۸۵ ۳/۱۳۸ ۱۴۱.

آموخته ایم، «لا وَاللّه ِ ما هِیَ إلاّ وَراثَهٌ عَنْ رَسُولِ اللّه ِ صلی الله علیه و آله »(۱)

۳. مفسر عالیقدر شیعه مرحوم شیخ طبرسی (درگذشت سال ۵۴۸) می نویسد:

به عقیده شیعه کسی را می توان با جمله «عالم به غیب» توصیف کرد که همه غیب ها را بداند و علم او ذاتی باشد و هیچ کس جز خدا این چنین نیست و اما خبرهای غیبی فراوانی

۱ امالی شیخ مفید، ص ۱۴، چاپ نجف .

(۹۸) متافیزیک یا آگاهی سوم

که دانشمندان شیعه و سنی از علی علیه السلام و سایرامامان نقل کرده اند

۱- امالی شیخ مفید، ص ۱۴، چاپ نجف .

همه از رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان رسیده و رسول خدا نیز از خداوند آموخته است».(1)

۴. علّامه طباطبایی در تفسیر «المیزان» می نویسد:

«خداونـد ذاتا از غیب آگاه است و هر کس جز او از غیب آگاه باشد به تعلیم او خواهد بود و هر جا پیامبر صـلی الله علیه و آله آگاهی خود از غیب را انکار می کند و می گوید: علم غیب ندارم معنای آن این است که مستقلاً و ذاتا عالم به غیب نیستم، و هر چه می دانم

۱ مجمع البیان: ۳/۲۶۱ و ۵/۲۰۵ .

۱- مجمع البیان: ۳/۲۶۱ و ۵/۲۰۵ .

از جانب خدا به من آموخته شده است».(۱)

دانشمندان اسلامی و معرفت سوم

۱. شیخ مفید (متوفای ۴۱۳) می نویسد:

«امامان علیهم السلام به ضمایر برخی از مردم آگاه بودند و به حوادث و پیشامدها، قبل از وقوع آن آگاهی داشتند».(۲)

۲. و در جای دیگر می نویسد:

۱ المیزان، ۲۰/۱۳۱ ۱۳۲.

۲ اوائل المقالات، ص ۳۸؛بحارالانوار: ۲۶/۱۰۴و۴۲/۲۵۸.

۱- المیزان، ۲۰/۱۳۱ ۱۳۲.

۲- اوائل المقالات، ص ۳۸؛بحارالانوار: ۲۶/۱۰۴و۴۲/۲۵۸.

«یکی از دلیل های امامت علی علیه السلام خبرهای غیبی آن حضرت است که از وقوع یک سلسله پیشامدها و حوادث، پیش از وقوع آن ها خبر داده است و پس از چندی صدق و درستی خبرهای او روشن شده است».(۱)

۳. و در جای دیگر می نویسد: «امام علیه السلام اگر از باطن کسی آگاه شود به تعلیم الهی آگاه می شود و تعلیم الهی به چند راه صورت می گیرد: آموختن از امام پیشین و خواب

۱ ارشاد شیخ مفید، ص ۱۴۸، چاپ آخوندی .

۱- ارشاد شیخ مفید، ص ۱۴۸، چاپ آخوندی .

دیدن که دو راه از آن راه ها است...»(۱)

بنابراین اگر نویسنده ای به شیخ مفید نسبت داده که آن بزرگوار منکر علم غیب امامان علیهم السلام است این سخن دلیل بی اطلاعی یا غرض ورزی او خواهد بود.

۴. دانشمند بزرگ و عالیقدر ابوالفتح محمد بن علی کراجکی (متوفای ۴۴۹) در رساله اعتقادات می نویسد:

«از اعتقادات شیعه این است که پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

۱ الفصول المختاره، ص ۸۰، چاپ سوم.

۱- الفصول المختاره، ص ۸۰، چاپ سوم.

علی علیه السلام و یازده فرزند معصوم او امام هستند. و امامت آن ها از جانب خدای تعالی تعیین شده است و خدا برای اثبات امامت آنان معجزاتی به دست آن ها ظاهر ساخته و آنان را به بسیاری از غیب ها و موضوعات و حوادث آینده آگاه نموده است...».(۱)

۵. امین الاسلام طبرسی می نویسد:

«همان طور که یکی از معجزات حضرت مسیح این بود که از غیب خبر می داد و می گفت:

۱ کنزالفوائد کراجکی: ۱/۲۴۵.

۱- کنزالفوائد کراجکی: ۱/۲۴۵.

«وَ اُنَبِّئُکَمْ بِما تَأْکُلُونَ وَ ما تَدَّخِرُونَ فی بُیُوتِکَمْ...»(۱)

(من به شما از آن چه می خورید و در خانه هاتان ذخیره می کنید خبر می دهم).

و نیز از معجزه های رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خبرهای غیبی آن حضرت بود همین طور از معجزات و دلیل های امام علی علیه السلام خبرهای غیبی او است که همه مطابق با واقع درآمده است. (۲)

۱ ۴۹ / آل عمران .

۲ اعلام الوری، ص ۱۷۲ چاپ اسلامیه .

۱- ۴۹ / آل عمران .

۲- اعلام الوری، ص ۱۷۲ چاپ اسلامیه .

۶. محمد بن شهر آشوب مازندرانی در کتاب پر ارج «متشابهات القرآن» می نویسد:

«ممکن است پیامبر و امام به تعلیم الهی به قسمتی از چیزهایی که غایب است و بخشی از حوادث گذشته و آینده آگاهی داشته باشند...».(۱)

۷. و نیز در کتاب «مناقب» بخشی از خبرهای غیبی امیرمؤمنان علیه السلام را در حدود بیست صفحه نقل می کند و سپس

۱ متشابهات القرآن، ص ۲۱۱.

۱- متشابهات القرآن، ص ۲۱۱.

می نویسد: تمام این ها خبرهای غیبی است که خداوند، رسول گرامی خود را از آن ها آگاه ساخته و رسول خدا صلی الله علیه و آله هم در پنهانی علی علیه السلام را بر آن ها آگاه کرده است. (۱)

۸. ابن ابی الحدید معتزلی (در گذشت سال ۶۵۵) در شرح نهج البلاغه می نویسد:

این که علی علیه السلام می گوید: «هر چه از حوادث آینده از من بپرسید خبر خواهم داد» نه ادعای خدایی است و نه ادعای

۱- مناقب: ۲/۱۱۲، چاپ نجف .

نبوت، بلکه منظور آن حضرت این است که من این آگاهی از غیب را از پیامبر گرامی اسلام آموخته ام سپس می نویسد:

۱ مناقب: ۲/۱۱۲، چاپ نجف .

ما علی علیه السلام را در خبرهای غیبی که از او صادر شده است امتحان کرده و همه خبرهای او را مطابق با واقع یافته ایم و واقع نمایی خبرهای غیبی آن حضرت دلیل این است که جمله ای که آن حضرت فرموده است راست و درست است:

«فَوَ الَّذی نَفْسی بِیَدِهِ لا تَسْأَلُونی عَنْ شَیْ ءٍ فیما بَیْنَکُمْ وَ بَیْنَ السّاعَهِ... اِلاّ اُنَبِّأُکُمْ...».

(سوگند به خدایی که جان من در اختیار اوست «از حوادث

آینده خبر دارم» و از هر چه بپرسید آگاهتان خواهم کرد).(1)

دانشمندان اسلامی و معرفت سوم (۱۰۷)

۹. علامه مرحوم شیخ محمد حسین مظفر می نویسد:

«این که می گوییم امامان علیهم السلام از غیب آگاه هستند مقصود علمی است که خداوند علام به آنان از راه الهام یا آموختن از رسول گرامی اسلام یا راه های دیگر می آموزد».(2)

۱ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۲/۱۷۵، چاپ ۴ جلدی.

۲ علم الامام، ص ۶.

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۲/۱۷۵، چاپ ۴ جلدی.
۲- علم الامام، ص ۶.

کتاب هایی پیرامون معرفت سوم

کتاب ها و رساله هایی که پیرامون اثبات علم غیب پیامبر و امام بحث کرده اند سه گروه است:

یک: کتاب ها و رساله هایی که مستقلاً درباره علم غیب نگاشته شده است.

دو: کتاب هایی که مستقلاً درباره علم غیب نگاشته نشده، ولی در عین حال در این زمینه به طور گسترده بحث کرده است و یا روایات مربوط به این مسأله را جمع آوری نموده است.

سه: کتاب هایی که در آن ها به گونه مختصر و مجمل در

کتاب هایی پیرامون معرفت سوم (۱۰۹)

این باره بحث شده است.

در این جا فهرست نام کتاب های گروه اول و دوم را می آوریم تا روشن شود این مسأله در نظر دانشـمندان تا چه انـدازه مورد اهمیت بوده است زیرا واضح است که زیادی بحث و تألیف درباره هر مسأله دلیل بر اهمیت آن مسأله می باشد.

۱. کتاب «بَصائِرُ الدَّرَجاتِ» تألیف محمد بن حسن صفار (درگذشت سال ۲۹۰)

در این کتاب روایات مربوط به علم امام به طور بسیار گسترده ای گردآوری شده است.

۲. کتاب شریف «کافی» تألیف شیخ کلینی (متوفای ۳۲۸). در این کتاب نیز احادیث مربوط به علم امام به طور گسترده در حدود سی باب جمع آوری شده است.

۳. کتاب «وافی» تألیف ملا محسن فیض کاشانی (درگذشت سال ۱۰۹۱).

در جلد اول این کتاب احادیث مربوط به علم امام نقل و مورد بررسی قرار گرفته است.

۴. «اِثْباتُ الْهُداهِ بِالنُّصُوصِ وَالْمُعْجِزاتِ» تألیف شیخ حُرّعاملی (متوفای ۱۱۰۴).

کتاب هایی پیرامون معرفت سوم (۱۱۱)

ص:۱۱۱

در این کتاب صدها مورد از خبرهای غیبی رسول گرامی و ائمه هدی آورده شده است.

۵. کتاب «مَدینَهُ الْمَعاجِزِ» تألیف سید هاشم بحرانی (درگذشت سال ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹).

در این کتاب نیز بنابر آن چه یکی از دانشمندان معاصر می نویسد: ششصد و پنجاه مورد از خبرهای غیبی معصومین علیهم السلام نقل شده است.

۶. کتاب «یَنابیعُ الْمُعْجِزاتِ» نیز تألیف سید هاشم بحرانی، که اخیرا چاپ شده است.

(۱۱۲) متافیزیک یا آگاهی سوم

در این کتاب نیز احادیث مربوط به علم امام به گونه ای متوسط و نه بسیار گسترده جمع آوری شده است.

۷. بحارالانوار تألیف علاّمه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰).

جلد بیست و ششم از چاپ جدید این کتاب مربوط به احادیث علم امام است.

۸. رساله ای پیرامون علم امامان علیهم السلام به نام «اَلنُّورُ» تألیف شیخ الاسلام رشتی (متوفای پس از سال ۱۲۷۰).

نسخه خطی این رساله در قم، در کتابخانه آیه اللّه مرعشی موجود است.

کتاب هایی پیرامون معرفت سوم (۱۱۳)

ص:۱۱۳

۹. رساله «مَعارِفُ السَّلْمانِيِّ بِمَراتِبِ الْخُلَفاءِ الرَّحْمانِيِّ» نوشته مرحوم آقا سید عبدالحسین شیرازی (متوفای ۱۳۴۲ ه.ق) این رساله در سال ۱۳۱۲ ه.ق چاپ شده است.

۱۰. رساله «عِلْمُ السّاعه» تألیف حجه الاسلام تبریزی (درگذشت سال۱۳۱۲)،این رساله درسال ۱۲۸۶ چاپ شده است.

۱۱. «مَفاتیحُ الْغَیْبِ» تألیف حجه الاسلام تبریزی.

۱۲. «عِلْمُ الْإِمامِ» تألیف مرحوم شیخ محمد مظفر (متوفای ۱۳۸۱).

۱۳. ترجمه کتاب فوق با پاورقی های در تبریز

(۱۱۴) متافیزیک یا آگاهی سوم

ص:۱۱۴

چاپ شده است.

۱۴. «اَلْاِلْهامُ فی عِلْمِ الْاِمامِ» تألیف دانشمند معاصر جناب آقای شیخ محمد علی حائری سنقری، که در نجف چاپ شده است.

۱۵. اخبار غیبیه علی علیه السلام .

در این کتاب که نوشته یکی از دانشمندان معاصر است هفتاد و پنج مورد از خبرهای غیبی امیرمؤمنان علی علیه السلام از نهج البلاغه و سایر کتاب ها جمع آوری شده است.

۱۶. رساله «علم غیب» نوشته دانشمند معاصر جناب

آقای حاج شیخ علی نمازی شاهرودی، که در مشهد چاپ شده است.

۱۷. رساله بحثی کوتاه درباره علم امام علیه السلام ، به فارسی، نوشته علّامه طباطبایی.

۱۸. رساله ای دیگر دیگر به عربی، نوشته حضرت علّامه طباطبایی که نسخه خطی آن پیش اینجانب موجود است.

۱۹. «وَجیزَةٌ فی عِلْمِ النَّبِیِّ» نوشته دانشمند معاصر جناب آقای امیری فیروزکوهی، این رساله در یکی از مجلات تهران چاپ شده است.

۲۰. «مَفاهیمُ الْقُرآنِ» جلد سوم، تألیف نگارنده، در این کتاب به طور گسترده و تقریبا همه جانبه درباره علم پیامبران و امامان از نظر قرآن مجید بحث شده است.

کتاب هایی پیرامون معرفت سوم (۱۱۷)

قرآن وآگاهی پیامبران وبرخی دیگرازبندگان خدااز غیب

قرآن وآگاهی پیامبران

در قرآن مجید آیاتی وجود دارد که آشکارا آگاهی پیامبران علیهم السلام و برخی از بندگان خاص خدا را از امور

ص:۱۱۸

پنهان از حس، تصدیق می کند و هیچ فرد مسلمانی که قرآن را وحی آسمانی می داند پس از دقت در مفاد آن ها نمی تواند در این مسأله تردید داشته باشد.

این آیا بر دو گروهند:

۱. آیاتی که به طور کلی آگاهی پیامبران علیهم السلام را از غیب، تصدیق می کند و می فرماید: خداوند پیامبران خویش را از امور پنهان، آگاه می سازد.

۲. آیاتی که به روشنی گواهی می دهد پیامبران علیهم السلام در موارد مخصوصی، از غیب خبر داده اند و یا برخی از بندگان خدا که پیامبر هم نبوده اند مانند مادر موسی علیه السلام با غیب این جهان ارتباط پیدا کرده و از امور پنهانی آگاه شده اند، و در حقیقت، آن نویدی که در آیات گروه اول داده شده که خداوند برخی از بندگان خود را از غیب آگاه می سازد در آیات گروه دوم جامه تحقق پوشیده و در پاره ای از موارد از غیب خبر داده اند و یا از غیب آگاه شده اند.

آیات گروه نخست

۱. «...وَ ما کانَ اللّهُ لِیُطْلِعَکُمْ عَلَی الْغَیْبِ وَ لکِنَّ اللّهَ یَجْتَبی مِنْ رُسُلِهِ مَنْ یَشآءُ فَامِنُوا بِاللّهِ وَ رُسُلِهِ وَ اِنْ تُؤْمِنُوا وَ تَتَّقُوا فَلَکُمْ اَجْرٌ عَظیمٌ».(۱)

(خدا شما را بر غیب مطلع نمی کند ولی از فرستادگان خویش هر که را بخواهد بر می گزیند پس به خدا و فرستادگان او ایمان بیاورید و اگر ایمان بیاورید و پرهیزگار باشید پاداشی بزرگ برای شما است).

۱ ۱۷۹ / آل عمران .

چه تعبیری روشن تر از این، که می رساند خداوند، بندگان عادی خود را از غیب آگاه نمی کند و این فضیلت برای پیامبران علیهم السلام است که بندگان برگزیده خداوند هستند.(۱)

۲. «عالِمُ الْغَیْبِ فَلایُظْهِرُ عَلی غَیْبِهِ اَحدا. اِلاّ مَنِ ارْتَضی مِنْ رَسُولٍ فَاِنَّهُ یَسْلُکُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدا»(۲)

(خدا دانای غیب است پس هیچ کس را بر غیب خویش آگاه

۱ به تفسیر تبیان: ۳/۶۳ و مجمع البیان: ۲/۵۴۵ و تفسیر ابوالفتوح رازی: ۳/۶۸ و المیزان: ۴/۷۹ مراجعه شود.

۲ ۲۶ و ۲۷ / جن .

۱- به تفسیر تبیان: ۳/۶۳ و مجمع البیان: ۲/۵۴۵ و تفسیر ابوالفتوح رازی: ۳/۶۸ و المیزان: ۴/۷۹ مراجعه شود.

۲- ۲۶ و ۲۷ / جن .

نمی کند مگر بندگانی که مورد رضایت او باشند و آن بندگان عبارتند از فرستادگان او، و خدا برای فرستادگان خود از جلو و پشت سرشان، نگهبان قرار می دهد).

مفاد آیه بسیار روشن است و به خوبی می فهمانـد که علم غیب، از خـدا است و او فرستادگان خودرا از غیب آگاه می کنـد. (۱)

۳. «وَ ما صاحِبُکُمْ بِمَجْنُونٍ. وَ لَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِینِ. وَ ما هُوَ عَلَی الْغَیْبِ بِضَنِینٍ»(۲)

۱ به تفسیر تبیان: ۱۰/۱۵۸ و مجمع البیان: ۱۰/۳۷۴ و ابوالفتوح رازی: ۱۱/۲۹۳ و المیزان: ۲۰/۱۲۹ مراجعه شود.

۲ ۲۲ ۲۴ / تکویر.

۱- به تفسیر تبیان: ۱۰/۱۵۸ و مجمع البیان: ۱۰/۳۷۴ و ابوالفتوح رازی: ۱۱/۲۹۳ و المیزان: ۲۰/۱۲۹ مراجعه شود.
۲- ۲۲ ۲۴ / تکویر.

(محمـد صـلی الله علیه و آله دیوانه نیست و فرشـته را در افق روشن دیده است و او بر غیب بخیل نیست «علم غیب که بر او القا می شود اگر صلاح باشد به شما می گوید و بُخل نمی کند و از شما پوشیده نمی دارد»).

بنابراین به خوبی از آیه برمی آید که خداوند رسول گرامی خود را توسط فرشته وحی بر غیب آگاه کرده است(۱)

این بود آیات گروه نخست که به طور کلی آگاهی

۱ به تبیان: ۱۰/۲۷۸ و مجمع البیان: ۱۰/۴۴۶ و ابوالفتوح رازی: ۱۲/۱۰ و المیزان: ۲۰/۳۲۹ مراجعه شود.

۱- به تبیان: ۱۰/۲۷۸ و مجمع البیان: ۱۰/۴۴۶ و ابوالفتوح رازی: ۱۲/۱۰ و المیزان: ۲۰/۳۲۹ مراجعه شود.

پیامبران علیهم السلام و فرستادگان و بندگان برگزیده او را تصدیق می کند و در صورتی که دقت شود در دلالت این آیات بر مدعا جای هیچ شک و شبهه ای نیست.

البته برخی از دانشمندان آیات دیگری را هم در این ردیف به شمار آورده اند، اما چون دلالت برخی از آن ها به نظر ما بی اشکال نبود و برخی دیگر نیاز به توضیح و شرح و بسط داشت از آوردن آن آیات و بحث پیرامون آن ها خودداری کردیم.

آیات گروه دوم

در این بخش آیاتی عنوان می شود که به روشنی گواهی می دهند پیامبران علیهم السلام و برخی دیگر از بندگان خدا در موارد مخصوصی از غیب خبر داده اند و از امور پنهان از حس آگاه شده اند و آن نویدی که در آیات گروه نخست وارد شده که خداوند پیامبران خود را از غیب آگاه می کند در این آیات جامه تحقق پوشیده و آن «امکان» به مرحله «فعلیت و تحقق» رسیده است.

قرآن و آگاهی پیامبران و برخی دیگراز... (۱۲۵)

ص:۱۲۵

اینک بیان آیات

۴. «وَ عَلَّمَ ادَمَ الْاَسْماءَ کُلَّها ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَی الْمَلائِکَهِ فَقالَ اَنْبِئُونی بِاَسْماءِ هؤُلاءِ اِنْ کُنْتُمْ صادِقینَ. قالُوا سُبْحانَکَ لا عِلْمَ لَنا اِلاّ ما عَلَّمْتَنا اِنَّکَ اَنْتَ الْعَلیمُ الْحَکیمُ. قالَ یا ادَمُ اَنْبِئْهُمْ بِاَسْمائِهِمْ فَلَمّا اَنْبَأَهُمْ بِاَسْمائِهِمْ قالَ اَلَمْ اَقُلْ لَکُمْ اِنّی اَعْلَمُ غَیْبَ السَّمواتِ وَ الْاَرْضِ وَ اَعْلَمُ ما تُبْدُونَ وَ ما کُنْتُمْ تَکْتُمُونَ»(۱)

«خدا همه اسم ها (حقایق و موجودات) را به آدم آموخت،

۱ ۳۱ ۳۳ / بقره .

۱- ۳۱ ۳۳ / بقره .

سپس آن (حقایق) را بر فرشتگان عرضه کرد و گفت: از اسامی این حقایق به من خبر دهید اگر راستگو هستید، آنان گفتند: ما تو را تسبیح می کنیم، ما از چیزی آگاه نیستیم جز آن چه تو حقایق را به فرشتگان بگو. هنگامی که آدم فرشتگان را از آن اسامی آگاه ساخت، خداوند به فرشتگان خطاب کرد و گفت: من به شما نگفتم که از «غیب» آسمان ها و زمین آگاهم و آن چه را آشکار کنید و پنهان نمایید می دانم».

دقت در معنای این سه آیه ما را به این حقیقت رهبری می کند که خداوند یک (سلسله) حقایقی را که از دیدگان فرشتگان پنهان بود به آدم علیه السلام آموخت و سپس آدم علیه السلام به

دستور خداوند آنان را از این «غیب» آگاه ساخت.

توضیح این که:

«اَسْماءُ» جمع «اِسْم» به معنی نـام است ولی در این جـا مقصود این نیست که فقط نام های موجودات زمینی و آسـمانی را به او تعلیم کرد زیرا فراگرفتن نام تنها، بدون آشنایی با حقیقت آن، برای آدم علیه السلام امتیازی نخواهد بود، بلکه منظور این است که خداوند، آدم علیه السـلام را از حقایق موجودات آگاه ساخت گواه این مطلب این است که در آیه شریفه «ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَی الْمَلائِکَهِ» ضـمیر جمع عاقل (هُمْ) آورده شـده در صورتی که اگر منظور فقط «اَسْماء» بود باید «عَرَضَها» گفته می شد زیرا در جمع غیر عاقل

ضمیر مفرد مؤنث (ها) آورده می شود.(۱)

۵. «وَ قالَ نُوحٌ رَبِ لاتَذَرْعَلَی الْاَرْضِ مِنَ الْکافِرِینَ دَیّارا. اِنَّکَ اِنْ تَذَرْهُمْ یُضِلُّوا عِبادَکَ وَ لا یَلِدوُا اِلاّ فاجِرا کَفّارا»(۲)

«نوح گفت: پروردگارا! از این کافران کسی را روی زمین باقی مگذار، زیرا آنان بندگان تو را گمراه می سازند و جز بدکار و ناسپاس تولید نمی کنند.»

این پیامبر عالیقدر در این آیه از دو مطلب کاملاً مخفی و پنهان، خبر داده است.

۱ تفسیر المیزان: ۱/۱۵ ۱۲۲ .

۲ ۲۶ و ۲۷ / نوح .

۱- تفسیر المیزان: ۱/۱۵ ۱۲۲ .

۲- ۲۶ و ۲۷ / نوح .

۱. از این به بعد هیچ یک از آن کافران به وی ایمان نخواهند آورد به دلیل این که نابودی آنان را از خداوند درخواست کرد.

۲. اگر این گروه بمانند، از نسل آن ها جز بدکار و ناسپاس کسی متولد نخواهد شد.

این خبر غیبی حضرت نوح را از دو راه زیر می توان توجیه کرد:

الف. نوح بر اثر معاشرت با آن مردم از روحیات و تمایلات باطنی آنان آگاه شد و روی محاسبات شخصی یقین پیدا کرد تا آنان هرگز ایمان نخواهند آورد و آگاهی او از آینده قوم خود

معلول تجربه و آمیزش او با آنان بود.

(۱۳۰) متافیزیک یا آگاهی سوم

این توجیه مناسب مقام نبوت و رسالت شخصیتی مانند حضرت نوح علیه السلام نیست زیرا معنی این توجیه این است که نوح روی استنباط های شخصی و حدس خود تکیه کرده و براساس چنین حدسی برای جمعیت بزرگ، خواهان عذاب و نیستی شده است و روشن است که هرگز نمی توان بر اساس حدس و گمان و استنباط شخصی، برای یک جمعیت، عذاب طلبید.

ب. توجیه دوم این که آگاهی از این مطلب را از خدا آموخته و خداوند به او خبر داده است که قوم او از این پس ایمان نخواهند آورد و اگر بمانند، از آن ها جز بدکار و ناسپاس، متولد

نمی شود. و از قرآن مجید توجیه دوم استفاده می شود زیرا می فرماید:

«وَ اُوحِیَ اِلی نُوحٍ اَنَّهُ لَنْ یُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِکَ اِلاّ مَنْ قَدْ ءَامَنَ فَلا تَبْتَئِسْ بِماکانُوا یَفْعَلُونَ»(۱)

«به نوح وحی شد که از قوم تو جز آنان که از پیش ایمان آورده اند کسی هرگز ایمان نمی آورد، پس از کارهای آنان محزون و غمگین مباش» .

از آیه برمی آید که آگاهی نوح علیه السلام از آینده قوم خود، از راه

۱- ۳۶ / هود .

وحی الهی بوده است و وحی یکی از راه های آگاهی از غیب است.(۱)

۱ ۳۶ / هود .

(۱۳۲) متافیزیک یا آگاهی سوم

۶. «اِذْ قالَ یُوسُفُ لاَِبیهِ یاَبَتِ اِنّی رَأَیْتُ اَحَدَ عَشَرَ کَوْکَباوَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَرَأَیْتُهُمْ لیسجِدینَ.قالَ یبُنَیَ لاتَقْصُصْ رُءْیاکَ عَلیآ اِخْوَتِکَ فَیَکیدُوا لَکَ کَیْدا اِنَّ الشَّیْطانَ لِلاِْنْسانِ عَدُوٌّ مُبینٌ. وَ کَذلِکَ یَجْتَبیکَ رَبُّکَ وَ یُعَلِّمُکَ مِنْ تَأْویلِ الاَْحادیثِ وَ یُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکَ وَعَلآی آلِ یَعْقُوبَ کَمآ اَتَمَّها عَلآی

۱ به تفسیر المیزان: ۲۰، ص ۱۱۰ مراجعه شود.

۱- به تفسیر المیزان: ۲۰، ص ۱۱۰ مراجعه شود.

اَبَوَیْکَ مِنْ قَبْلُ اِبْرهیمَ وَ اِسْحقَ اِنَّ رَبَّکَ عَلیمٌ حَکیمٌ»(۱)

«هنگامی که یوسف به پـدرش یعقوب گفت: ای پدر! من در عالم رؤیا و خواب دیدم که یازده سـتاره و خورشـید و ماه بر من سجـده می کننـد، یعقـوب گفت: ای پسـر! خـواب خـویش را برای برادرانت مگـو که بـا تو از در مکر و حیله وارد می شونـد، شیطان دشـمن آشـکار انسان است. این چنین پروردگارت تو را برمی گزینـد، و تعبیر رؤیا به تو می آموزد، و نعمت خویش را بر

۱ ۶۴ / یوسف .

(۱۳۴) متافیزیک یا آگاهی سوم

تو و خاندان یعقوب کامل می کند چنان که پیش از این بر پدرانت

۱- ۶۴ / یوسف .

ابراهیم و اسحاق نعمت خود را کامل کرده بود پروردگارت دانا و حکیم است».

از این آیات استفاده می شود که حضرت یعقوب علیه السلام از حقیقت رؤیای فرزندش آگاه گردید و فهمید که او در آینده مقام بس بلندی به دست خواهد آورد.(۱)

و روشن است که تأویل و تعبیر خواب و آگاهی از حقیقت آن، یک نوع آگاهی از غیب است و خداوند گروه مخصوصی را مشمول این لطف قرار می دهد.

۱ به مجمع البیان: ۵/۲۱۰ مراجعه شود.

۱- به مجمع البیان: ۵/۲۱۰ مراجعه شود.

«اِذْهَبُوا بِقَمیصی هذا فَاَلْقُوهُ عَلی وَجْهِ اَبی یَأْتِ بَصیرا وَأْتُونی بِاَهْلِکُمْ اَجْمَعینَ. وَ لَمّا فَصَلَتِ الْعیرُ قالَ اَبُوهُمْ اِنّی لَاَجِدُ ریحَ یُوسُفَ لَوْلا اَنْ تُفَنِّدُونِ» (۱)

هنگامی که یوسف علیه السلام در آخرین ملاقات، خود را به برادران خویش معرفی کرد پیراهن خود را به آنان داد و گفت:

«این پیراهن را ببرید و به صورت پدرم بیندازید که بینا می شود و آن گاه با همه بستگان خود پیش من بیایید، همین که کاروان از مصر خارج شد یعقوب در کنعان که فاصله ای زیاد با

۱- ۹۳ ۹۴ / یوسف .

مصر دارد گفت: من بوی یوسف را می شنوم اگر مرا تخطئه نکنید».

۱ ۹۳ ۹۴ / یوسف .

(۱۳۶) متافیزیک یا آگاهی سوم

یعقوب که از نظر ظاهر از یوسف خبری نداشت و نمی دانست که او در مصر است و خود را به برادران، معرفی کرده است و برادرانش با این خبر مسرت انگیز به سوی کنعان روانه هستید، می گوید:

«من بوی یوسف را می شنوم» این آگاهی از غیب است که خدای متعال در این مورد در اختیار یعقوب علیه السلام گذارده است.

۸. «رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنی مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنی مِنْ تَأْويلِ الْأَحاديثِ فاطِرَ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ اَنْتَ وَلِيِّ فِی الدُّنْيا وَ

الْاخِرَهِ تَوَفَّنی مُسْلِما وَ اَلْحِقْنی بِالصّلِحینَ»(۱)

«پروردگارا به من سلطنت و فرمانروایی عطا کردی و تأویل احادیث و تعبیر خواب آموختی، تو آفریدگار آسمان ها و زمین هستی، تو در دنیا و آخرت ولی من هستی مرا مسلمان بمیران و به بندگان شایسته ات ملحق کن».

در این آیه تصریح شده است که خداوند به یوسف علیه السلام تعبیر و تأویل رؤیا را که خود شعبه ای از آگاهی از غیب می باشد آموخته است.

۱ ۱۰۱ / یوسف .

۱- ۱۰۱ / یوسف .

۹. «وَ دَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَیانِ قالَ اَحَدُهُمآ اِنّی اَرینیآ اَعْصِرُ خَمْرا وَ قالَ الْاَخَرُاِنّی اَرینیآ اَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسی خُبْزا تَأْكُلُ الطَّیْرُ مِنْهُ نَبِّئْنا بِتَأْویلِهآ اِنّا نَریكَ مِنَ الْمُحْسِنینَ... یصحِبَیِ السِّجْنِ اَمّآ اَحَدُكُما فَیَسْقی رَبَّهُ خَمْرا وَ اَمَّا الْاَخَرُ فَیُصْلَبُ فَتَأْكُلُ الطَّیْرُ مِنْ رَأْسِه...»(۱)

«هنگامی که یوسف علیه السلام زندانی شد دو جوان هم با او زندانی شدند یک روز یکی از آن ها به یوسف علیه السلام گفت: خواب دیدم که انگوری می فشارم و دیگری گفت: خواب دیدم که نانی بر روی

۱- ۳۶ ۴۱ / یوسف .

سر گـذارده و پرنـد گان از آن نان می خورنـد و هر دو تعبیر خواب خود را از یوسف علیه السـلام خواسـتند و گفتند ما تو را از نیکو کـاران می بینیم... یوسف در تعبیر خواب اولی فرمود: تو سـاقی ملـک می شوی و به دومی گفت: تو را به دار می زننـد و مرغان هوا سرت را می خورند...».

۱ ۳۶ ۴۱ / یوسف .

و به تصریح قرآن مجید همین طور شد یکی از آنان نجات یافت و ساقی دربار گشت و دیگری اعدام شد. روشن است که این تعبیر خواب از خبرهای غیبی حضرت یوسف علیه السلام به شمار می آید.

۱۰. «وَ قالَ الْمَلِکُ اِنّیآ اَری سَبْعَ بَقَرتٍ سِمانٍ یَأْکُلُهُنَّ

سَبْعٌ عِجافٌ وَ سَبْعَ سُنْبُلتٍ خُضْرٍ وَ اُخَرَ یابِستٍ... یُوسُفُ اَیُّهَا الصِّدّیقُ اَفْتِنا فی سَبْعِ بَقَرتٍ...قالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنینَ دَأَبا فَما حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فی سُنْبُلِهآ اِلاّ قَلیلاً مِمّا تَأْکُلُونَ.ثُمَّ یَأْتی مِنْ بَعْدِ ذلِکَ سَبْعٌ شِدادٌ یَأْکُلْنَ ما قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ اِلاّ قَلیلاً مِمّا تُحْصِنُونَ. ثُمَّ یَأْتی مِنْ بَعْدِ ذلِکَ عامٌ فیهِ یُغاثُ النّاسُ وَ فیهِ یَعْصِرُونَ»(۱)

«فرمانروای مصر خوابی به شرح زیر دید: هفت گاو لاغر، هفت گاو چاق را می خورند. و هفت خوشه سبز در کنار هفت

۱ ۴۳ ۴۹ / یوسف .

قرآن و آگاهی پیامبران و برخی دیگراز... (۱۴۱)

ص:۱۴۱

۱- ۴۳ ۴۹ / یوسف .

خوشه خشـکیده قرار دارد از خواب بیدار شد و تعبیر خواب خود را از اطرافیان خویش خواست سرانجام از یوسف علیه السلام تعبیر آن را خواسـتند. یوسف علیه السـلام در تعبیر این خواب فرمود: «هفت سـال به طور متوالی کشت می کنیـد و هر چه درو کردید جز مقدار کمی که می خورید در خوشه بگذارید سـپس هفت سال سـخت پیش می آید آن چه را که ذخیره کرده اید مگر کمی که نگـاه می داریـد مصـرف می کنیـد. پس از آن، سـال دیگری پیش می آیـد که بـاران فراوان می بارد و مردم از قحطی نجات می یابند».

در این داستان یوسف علیه السلام از راه تعبیر خواب ملک، از سه امر پنهانی پرده برداشت و خبر داد که عبارت است از:

(۱۴۲) متافیزیک یا آگاهی سوم

ص:۱۴۲

الف. هفت سال نعمت همه جا را فرامی گیرد وضع کشاورزی بسیار خوب است.

ب. پس از آن، هفت سال قحطی و خشکسالی پیش می آید که درهای رحمت به روی مردم بسته می گردد.

ج. سال پانزدهم بار دیگر رحمت حق، همه را فرا می گیرد و مردم از نعمت های بزرگ الهی برخوردار می شوند.

۱۱. «وَ يقَوْمِ هذِه ناقَةُ اللّهِ لَكُمْ ءَايَةً فَذَرُوها تَأْكُلْ فيآ اَرْضِ اللّهِ وَلاتَمَسُّوها بِسُوآءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذابٌ قَريبٌ. فَعَقَرُوها

ص:۱۴۳

فَقالَ تَمَتَّعُوا فی دارِکُمْ ثَلثَهَ اَیّامٍ ذلِکَ وَعْدٌ غَیْرُ مَکْذُوبٍ»(۱)

حضرت صالح علیه السلام به قوم ثمود که برای دعوت آنان به راه خداپرستی برانگیخته شده بود و ناقه ای به عنوان معجزه برای آنان آورده بود گفت:

«ای قوم! این شترِ خدا است که معجزه ای برای شما می باشد بگذارید او در زمین خدا چرا کند و به او بدی نرسانید که عذابی نزدیک، شما را فرامی گیرد. پس شتر را کشتند، صالح علیه السلام گفت فقط سه روز در خانه های خود به سر برید و بدانید وعده الهی

۱- ۶۴ ۶۵ / هود .

دروغ نیست».

۱ ۶۴ ۶۵ / هود .

اما آن مردم به سخن صالح علیه السلام اعتنا نکردند و آن شتر را کشتند و خود را مستوجب عذاب الهی گرداندند در این هنگام صالح علیه السلام آنان را هشدار داد که پس از سه روز عذاب الهی آنان را فراخواهد گرفت.

به تصریح قرآن مجید همین طور هم شد یعنی پس از سه روز عذاب الهی بر آنان نازل شد.

چه خبر غیبی بالاتر از این، که پیامبری از سرنوشت مردمی که به معجزه الهی، احترام نگذاردند خبر می دهد و می گوید: بیش از سه روز در جهان زنده نخواهید بود و عذاب الهی شما را

نابود می کند.

۱۲. «وَ وَرِثَ سُلَیْمنُ داوُدَ وَ قالَ یا اَیُّهَا النّاسُ عُلِّمْنا مَنْطِقَ الطَّیْرِواُوتینا مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍاِنَّ هذالَهُوَالْفَضْلُ الْمُبینُ»(۱)

«سلیمان وارث داوود شد و گفت: ای مردم! خدا زبان پرندگان را به ما آموخته و از همه چیز به ما داده است این ها (برای ما) فضیلت و برتری آشکار است».

آیا آشنا بودن داوود و سلیمان علیهم السلام به زبان پرندگان و آگاه بودن از مقصود آنان جز آگاهی از غیب است؟

۱۶۱ / نمل .

۱- ۱۶ / نمل .

۱۳. «حَتّی اِذا اَتَوْا عَلی وادِ النَّمْلِ قالَتْ نَمْلَهٌ یا اَیُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَساکِنَکَمْ لا یَحْطِمَنَّکَمْ سُلَیْمنُ وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لا یَشْعُرُونَ. فَتَبَسَّمَ ضاحِکا مِنْ قَوْلِها...»(۱)

«تا این که سپاهیان سلیمان علیه السلام به وادی مورچگان رسیدند مورچه ای گفت: ای مورچگان به لانه های خود بروید تا سلیمان و سپاهیان او از روی غفلت شما را لگدکوب نکنند. سلیمان از گفتار آن مورچه لبخندی زد و خندان شد».

آیا آگاه بودن از زبان مورچگان آگاهی خارج از

۱ ۱۸ و ۱۹ / نمل .

۱- ۱۸ و ۱۹ / نمل .

قلمرو حس عادی بشر نیست و خود یک نوع آگاهی از غیب محسوب نمی شود؟

۱۴. «وَ تَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقالَ مالِیَ لا اَرَی الْهُدْهُدَ اَمْ كانَ مِنَ الْغائِبِينَ... فَمَكَثَ غَيْرَ بَعيدٍ فَقالَ اَحَطْتُ بِما لَمْ تُحِطْ بِه وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقينٍ» (۱)

«سلیمان گفت: چرا هدهد را نمی بینم مگر او غایب است... کمی بعد، هدهد آمد و به سلیمان گفت: چیزی دیده ام که شما ندیده ای و برای شما از «سبأ» خبری درست و یقینی آورده ام».

۱ ۲۰ ۲۲ / نمل .

(۱۴۸) متافیزیک یا آگاهی سوم

ص:۱۴۸

۱- ۲۰ ۲۲ / نمل .

آیا فهمید زبان هدهد آگاهی از غیب نیست؟

۱۵. «وَاُنَبِّئُکُمْ بِماتَأْکُلُونَ وَماتَدَّخِرُونَ فیبُیُوتِکُمْ...»(۱)

«از آن چه می خوریدودرخانه هایتان ذخیره می کنیدخبرمی دهم».

عیسی علیه السلام آگاهی خود از غیب را در ردیف سایر معجزات خود شمرده و می گوید: معجزه من این است که: نابینایان و مبتلایان به بیماری برص را به اذن خدا شفا می بخشم و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم و از آن چه می خورید و در خانه هایتان ذخیره می کنید خبر می دهم.

۱ ۴۹ / آل عمران .

۱- ۴۹ / آل عمران .

۱۶. «...یا بَنی اِسْرائیلَ اِنّی رَسُولُ اللّهِ اِلَیْکُمْ مُصَدِّقا لِما بَیْنَ یَدَیَّ مِنَ التَّوْریهِ وَ مُبَشِّرا بِرَسُولٍ یَأْتی مِنْ بَعْدِی اسْمُهُ اَحْمَدُ...»(۱)

«مسیح علیه السلام می گوید: ای فرزندان اسرائیل! من پیامبر خدا به سوی شما هستم و تورات موسی را تصدیق می کنم و به آمدن پیامبری که پس از من خواهد آمد و نامش احمد است شما را بشارت و مژده می دهم».

آیا خبر دادن عیسی از آمدن پیامبر اسلام علیه السلام که آمدن او

۶۱ / صف .

۱- ۶ / صف .

حدود ششصد سال با عیسی علیه السلام فاصله دارد اخبار از غیب نیست؟

۱۷. «وَ اِذْ اَسَرَّ النَّبِیُّ اِلی بَعْضِ اَزْواجِهِ حَدیثا فَلَمّا نَبَّأَتْ بِهِ وَاَظْهَرَهُ اللّهُ عَلَیْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَ اَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمّا نَبَّاَها بِهِ قالَتْ مَنْ اَنْبَاَکَ هذا قالَ نَبَّاَنِیَ الْعَلیمُ الْخَبیرُ»(۱)

«پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله رازی را به یکی از همسران خود گفت (و به او سفارش کرد که آن را فاش نکند) ولی او، راز پیامبر را به دیگری گفت. خدا پیامبر را از جریان آگاه ساخت و به او

۱- ۳ / تحریم .

خبر داد که همسرش، راز او را به دیگری گفته است پیامبر با این که آگاه شد همسرش همه راز را به دیگری گفته اما به قسمتی از آن اشاره کرد و به قسمت دیگر آن اشاره نکرد یعنی به همسرش گفت: رازی را که به تو سپردم فاش ساخته ای همسرش او را تصدیق کرد و پرسید چه کسی تو را از این جریان آگاه ساخت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «نَبَّأَنِیَ الْعَلیمُ الْخَبیرُ»: خدای دانا و آگاه مرا با خبر ساخت».

۳۱ / تحریم .

قرآن و آگاهی پیامبران و برخی دیگراز... (۱۵۱)

دقت درمجموع آیه، بخصوص جمله «نَبَّأَنِیَ الْعَلیمُ الْخَبیرُ»

به روشنی گواهی می دهد که خداوند او را از غیر راه وحی قرآنی از پس پرده غیب آگاه کرده است.

(۱۵۲) متافیزیک یا آگاهی سوم

ص:۱۵۲

از آیاتی که تا این جا نقل شد به خوبی استفاده می شود که پیامبران الهی چون آدم، نوح، یعقوب، یوسف، صالح، داوود، سلیمان، عیسی و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از غیب خبر داده اند.

و اکنون برخی از آیاتی که دلالت می کند که افرادی غیر از پیامبران هم از غیب آگاهی داشته اند نقل می شود تا واضح گردد که آگاهی از غیب منحصر به پیامبران الهی نیست بلکه خدا به هر یک از بندگان خاص خود که بخواهد چنین عنایتی می کند و او را با غیب این جهان آشنا می سازد.

۱۸. «اِذْقالَتِ الْمَلائِکَهُ یامَرْیَمُ اِنَ اللّهَ یُبَشِّرُکِ بِکَلِمَهٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسیحُ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ وَجیها فِی الدُّنْیا وَالاخِرَهِ

وَمِنَ الْمُقَرَّبینَ.وَیُکَلِّمُ النّاسَ فِی الْمَهْدِوَکَهْلاًوَمِنَ الصّالِحینَ»(1)

«هنگامی که فرشتگان به مریم علیهاالسلام گفتند: ای مریم خدا تو را به فرزندی نوید می دهد که نام وی مسیح، عیسی بن مریم، در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربین درگاه الهی است و در گهواره با مردم سخن می گوید...».

آیا آگاه شدن مریم علیهاالسلام که شوهر هم نداشت از این که خدا فرزندی به این نام و این خصوصیات به او لطف می کند آگاهی از غیب نیست آیا معنی آگاهی از غیب جز این است که

1- 45 46 / آل عمران .

انسان از اموری که از نظر مردم پنهان است آگاه گردد؟

۱ ۴۵ ۴۶ / آل عمران .

(۱۵۴) متافیزیک یا آگاهی سوم

۱۹. «وَ لَقَدْ جاۤءَتْ رُسُلُناۤ اِبْراهيمَ بِالْبُشْرى قالُوا سَلما... وَامْرَاَتُهُ قاۤئِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنها بِاِسْحقَ وَ مِنْ وَراۤءِ اِسْحقَ يَعْقُوبَ. قالَتْ يوَيْلَتياۤ ءَاَلِدُ وَ اَنَا عَجُوزٌ وَ هذا بَعْلى شَيْخا اِنَّ هذا لَشَیْ ءٌ عَجيبٌ. قالُوآا اَتَعْجَبينَ مِنْ اَمْرِ اللّهِ رَحْمَتُ اللّهِ وَ بَرَكتُهُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ اِنَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ»(۱)

«فرستادگان ما (یعنی فرشتگان) با مژده به نزد ابراهیم علیه السلام رفتند و گفتند سلام بر تو... و همسر وی که ایستاده بود خندید

۱- ۶۹ ۷۳ / هود.

او را به اسحاق و پس از اسحاق به یعقوب بشارت دادیم گفت: وای بر من بـا این که خودم پیر هستم و شوهرم نیز پیر است چگونه صاحب فرزند خواهم شد این موضوع شگفت انگیز است فرشتگان به او گفتند: از کار خدا تعجب می کنی؟! رحمت و برکات خدا بر شما خاندان باد خدا حمید و مجید، ستوده و بزرگوار است».

۱ ۶۹ ۷۳ / هود.

آیا آگاه شدن همسر حضرت ابراهیم از این که در پیری خدا به او فرزندی عطا می کند جز آگاهی از غیب است؟ آیا چنین موضوعاتی که توسط فرشتگان در اختیار بندگان خدا که پیامبر هم نیستند گذارده می شود جز تعلیم و آگاه کردن از غیب است؟

۲۰. «وَ اَوْحَیْنا اِلی اُمِّ مُوسی اَنْ اَرْضِعیهِ فَاِذا خِفْتِ عَلَیْهِ فَاَلْقیهِ فِی الْیَمِّ وَ لا تَخافیَ لاتَحْزَنی اِنّا رادُّوهُ اِلَیْکِ وَ جاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلینَ» (۱)

«به مادر موسی علیه السلام وحی کردیم که موسی را شیر بده پس هنگامی که بر او ترسناک شدی او را به دریا بینداز و نترس و محزون مباش ما او را به تو برمی گردانیم و او را از پیامبران مرسل قرار می دهیم».

از این آیه برمی آید که مادر موسی از آینده او و از این که

۱- ۷ / قصص .

خدا او را حفظ می کند و به مادر، برمی گرداند آگاه شد آیا این ها جز آگاهی از غیب است؟

«با دقت در این بیست آیه ای که یاد شد جای هیچ شک و تردیدی در این مسأله باقی نمی ماند و روشن می شود که امکان آگاهی پیامبران و برخی دیگر از بندگان خدا، از غیب و نیز فعلیت و تحقق آن، یکی از مسائل مسلم قرآن مجید است».(۱)

۱ ۷ / قصص .

«بنابراین کسی که به قرآن ایمان داشته باشد نمی تواند

۱- آیاتی که به نظر بدوی علم غیب را به خدا اختصاص می دهد و از غیر خدا نفی می کند در بخش پاسخ به سؤالات توضیح داده خواهد شد.

۱ آیاتی که به نظر بدوی علم غیب را به خدا اختصاص می دهد و از غیر خدا نفی می کند در بخش پاسخ به سؤالات توضیح داده خواهد شد.

(۱۵۸) متافیزیک یا آگاهی سوم

آگاهی از غیب را برای بشر، غیرممکن بداند و بگوید آگاهی از غیب اختصاص به خدا دارد، و برای اثبات این حرف نادرست، به آیاتی که ظاهرا علم غیب را به خدا اختصاص می دهد استدلال کند».(۱)

۱ آیاتی که حاکی از وقوع آگاهی بشرهای برگزیده از غیب است منحصر به این بیست آیه نیست، بلکه آیات دیگری نیز هست که به خاطر اختصار از بازگو کردن آن ها خودداری گردید. مانند مذاکره حضرت موسی با همسفر خود که در سوره کهف / ۶۰۸۲ مطرح گردیده است .

قرآن و آگاهی پیامبران و برخی دیگراز... (۱۵۹)

ص:۱۵۹

۱- آیاتی که حاکی از وقوع آگاهی بشرهای برگزیده از غیب است منحصر به این بیست آیه نیست، بلکه آیات دیگری نیز هست که به خاطر اختصار از بازگو کردن آن ها خودداری گردید. مانند مذاکره حضرت موسی با همسفر خود که در سوره کهف / ۶۰۸۲ مطرح گردیده است .

آگاهی سوم در احادیث نبوی

۱. گنج های کسری را تصرف کنید

عدی بن حاتم می گوید: حضور پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله بودم شخصی آمد و اظهار نیازمندی کرد، چیزی نگذشت دیگری آمد از ناامنی راه شکایت کرد، در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله رو به من کرد و گفت: «حیره»(۱) را دیده ای؟ گفتم: اوصاف آن را شنیده ام اما

۱ گویا مقصود از «حیره» پایتخت ملوك عرب است که در آن تاریخ تحت حکومت عجم بوده است.

ندیده ام. فرمود: چیزی نمی گذرد که امنیت سراسر منطقه را فرامی گیرد و کاروان به قصد زیارت خانه خدا از «حیرَه» حرکت می کنـد و در این راه جز از خدا نمی ترسد سپس افزود: اگر از عمری برخوردار شوی جزو گروهی خواهی بود که گنج های کسری را فتح خواهند کرد... .

عدی می گوید: زنده ماندم و دیدم کاروان از «حیرَه» به قصد زیارت خانه خدا حرکت کرد و بر سراسـر منطقه امنیت حکومت می کرد و من جزو افرادی بودم که گنج های کسریرا فتح کردند. (۱)

۱ لَئِنْ طالَتْ حَیاهٌ لَتَفْتَحُنَّ کُنُوزَ کَسْرِی... التاج: ۳/۲۸۷ به نقل ازبخاری و نیز به صـحیح بخاری: ۴/۲۳۹ و ۲۴۶ و صحیح مسلم: ۸/۱۸۷ مراجعه شود.

۱- لَئِنْ طالَتْ حَیاهٌ لَتَفْتَحُنَّ کُنُوزَ کَسْری... التاج: ۳/۲۸۷ به نقل ازبخاری و نیز به صحیح بخاری: ۴/۲۳۹ و ۲۴۶ و صحیح مسلم: ۸/۱۸۷ مراجعه شود.

۲. این مرد رئیس خوارج نهروان (۱) خواهد شد

مردی از بنی تمیم هنگام تقسیم غنایم جنگی از روی اعتراض به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله گفت: از جاده عدالت خارج مشو، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر من عدالت را مراعات نکنم چه کسی مراعات خواهد کرد، اگر عدالت پیشه نباشم زیانکار خواهم بود.

یکی از اصحاب گفت: اجازه دهید به خاطر این جسارتی که

۱ خوارج نهروان همان گروهی بودند که در عین این که ظاهرا اهل عبادت و تقدس بودند در اثر عدم آشنایی با حقیقت اسلام، با علی علیه السلام دشمنی داشتند و از اطاعت او بیرون رفتند و جنگ نهروان را به پا نمودند.

به شما کرد او را به قتل برسانیم، پیامبر صلی الله علیه و آله موافقت نکرد و فرمود: این مرد رئیس گروهی خواهد بود که اگر نماز و روزه آن ها را ببینید نماز و روزه خود را بسیار ناچیز می شمارید اما با این وصف از دین خارج می شوند همان طور که تیر از کمان خارج می گردد(۱)

۱ التاج: ۵/۳۱۳ و نیز به صحیح بخاری: ۴/۲۴۳ و ۶/۲۴۴ و ۹/۲۱ و صحیح مسلم: ۳/۱۹۰ و ۱۱۰ مراجعه شود. و این است عبارت حدیث: اِنَّ لَهُ أَصْحابا یَحْقِرُ أَحَدُکُمْ صَلاتَهُ مَعَ صَلاتِهِمْ وَ صِیامَهُ مَعَ صِیامِهِمْ یَقْرَؤُونَ الْقُرآنُ لا یُجاوِزُ تَراقیهِمْ یَمْرَقُونَ مِنَ الْاِسْلامِ کَما یَمْرَقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمْیِه... .

۱- التاج: ۵/۳۱۳ و نیز به صحیح بخاری: ۴/۲۴۳ و ۶/۲۴۴ و ۹/۲۱ و صحیح مسلم: ۳/۱۹۰ و ۱۱۰ مراجعه شود. و این است عبارت حدیث: اِنَّ لَهُ أَصْحابا یَحْقِرُ أَحَدُکُمْ صَلاتَهُ مَعَ صَلاتِهِمْ وَ صِیامَهُ مَعَ صِیامِهِمْ یَقْرَؤُونَ الْقُرآنُ لا یُجاوِزُ تَراقیهِمْ یَمْرَقُونَ مِنَ الْاِسْلامِ کَما یَمْرَقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمْیِه... .

این مرد همان «ذوی الخویصره» رئیس خوارج نهروان بود که در تاریخ سرگذشت او ثبت شده است.

۳. علی جان! تو در ماه رمضان در حال نماز کشته می شوی

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پیش از ماه رمضان خطبه ای پیرامون این ماه و برتری های آن ایراد کردند در پایان علی علیه السلام برخاست و گفت: ای رسول خدا! با ارزش ترین عمل ها در این ماه چیست؟

رسول خدا فرمود: ورع و پرهیز از محرمات و گناهان، این جمله را فرمود و به گریه افتاد. علی علیه السلام گفت: چرا گریه می کنید؟ فرمود: برای آن چه در چنین ماهی برای تو پیش می آید.

(۱۶۴) متافیزیک یا آگاهی سوم

گویا می بینم که در حال نماز هستی و شقی ترین مردم همتای کشنده شتر صالح، محاسن تو را به خون سرت رنگین می کند.

علی علیه السلام عرض کرد: آیا هنگامی که کشته می شوم سلامت دینی دارم؟ فرمود: آری با سلامت دینت کشته می شوی.(۱)(مقصود از این سؤال این بود که اگر دینم محفوظ باشد و کشته شوم غمگین نیستم زیرا مصیبت بزرگ آن است که انسان، بی ایمان و بی دین، از دنیا برود).

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در این سخن، از کشته شدن علی علیه السلام و این

۱ عیون أخبار الرضا: ۱/۲۹۵ ۲۹۷ ؛ امالی صدوق، ص ۵۷ ۵۸.

۱- عیون أخبار الرضا: ۱/۲۹۵ ۲۹۷ ؛ امالی صدوق، ص ۵۷ ۵۸.

که این حادثه در ماه رمضان پیش می آیـد و نیز در حال نماز واقع خواهـد شـد خبر داد و هر کدام از این خبر غیبی مسـتقل به شمار می آید.

۴. ابوذر تنها می میرد

در جنگ تبوک شتر ابوذر از راه مانـد و ابوذر از ارتش اسـلام عقب افتاد، مقـداری معطل شتر شد اما دید اگر بخواهد بیش از این معطل شود بیشتر عقب می ماند این بود که شتر را رها کرد و اثاث سـفر را برداشت و به راه افتاد تا خود را به ارتش اسـلام برساند. ارتش در نقطه ای برای استراحت فرود آمده بودند

(۱۶۶) متافیزیک یا آگاهی سوم

ص:۱۶۶

ناگهان سیمای شخصی که پیاده و تنها می آمد نمایان شد یکی از مسلمانان به رسول خدا گفت: ببینید شخصی از دور، تنها و پیاده می آید. حضرت فرمود: امید است ابوذر باشد.

هنگامی که خوب نگاه کردند دیدند ابوذر است با خوشحالی زیاد گفتند: ای رسول خدا! به خدا سوگند ابوذر است، رسول خدا فرمود: خدا ابوذر را رحمت کند تنها راه می رود و تنها می میرد و تنها زنده می شود.

سالیان درازی گذشت، حوادث نامطلوبی برای اسلام و مسلمین پیش آمد از جمله این که همه مسلمین شاهد بودند که ابوذر به دستور عثمان به بیابان «ربذه» دور از اجتماع و آبادی

آگاهی سوم در احادیث نبوی (۱۶۷)

ص:۱۶۷

تبعید شد و در همان جا با وضع رقت باری جان سپرد.

کـاروانی از آن جـا عبور می کرد از مرگ ابوذر مطلع شدنـد یکی از یـاران پیـامبر گرامی اسـلام (عبـداللّه بن مسـعود) در آن کاروان بود همین که آن منظره را دید گریه کنان گفت:

«صَدَقَ رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله تَمْشی وَحْدَکَ وَ تَمُوتُ وَحْدَکَ وَ تُبْعَثُ وَحْدَکَ».

«راست گفت رسول خـدا صـلی الله علیه و آله که فرمود: ای ابوذر! تنهـا راه می روی و تنهـا می میری و تنهـا زنـده می شوی و سرانجام ابوذر با

کوشش همان کاروان در بیان «ربذه» به خاک سپرده شد».(۱)

۵. عایشه با علی علیه السلام جنگ خواهد کرد

پیامبر صلی الله علیه و آله به همسرش عایشه گفت: گویا می بینم که به قصد جنگ با علی علیه السلام از «حَوْأَب»(۲) عبور می کنی و سگ های آن جا به تو حمله می کنند تو با علی نبرد می کنی در حالی که در این نبرد ستمگری. ای عایشه! مبادا چنین کنی.(۳)

۱ سیره ابن هشام: ۲/۵۲۳ ۵۲۴ .

۲ حَوْأَب نام مکانی است در راه بصره ؛ مراصد الاطلاع: ۱/۴۳۳.

۱- سیره ابن هشام: ۲/۵۲۳ ۵۲۴ .
۲- حَوْأَب نام مکانی است در راه بصره ؛ مراصد الاطلاع: ۱/۴۳۳.
۳- مسند احمد: ۶/۵۲ و ۹۷ ؛ عِقْدُ الْفَرِیدِ: ۲/۲۸۳.

۶. ای علی! تو با سه گروه نبرد خواهی کرد

پیامبر گرامی از آینده تاریک امت آگاه بود و از پیدایش فرقه های پیمان شکن و ستمگر و مرتد خبر داد و به علی علیه السلام یادآوری کرد که تو با این سه گروه نبرد و جنگ خواهی کرد:

«یا عَلِیُّ! تُقاتِلُ النّاکِثینَ وَ الْقاسِطینَ وَ الْمارِقینَ: تو با گروه پیمان شکن و گروه ستمگر و گروه مرتد نبرد خواهی کرد».(۱)

۱ مسند احمد: ۶/۵۲ و ۹۷ ؛ عِقْدُ الْفَرِیدِ: ۲/۲۸۳.

۲ مستدرک حاکم: ۳/۱۴۰ .

۱- مستدرک حاکم: ۳/۱۴۰ .

۷. عمار یاسر را گروه ستمگر، می کشند

عمار یاسر، جوان نیرومند اسلام برای ساختن مسجد، با آوردن خشت مسلمین را کمک می کرد، از سادگی او سوءاستفاده کرده و بیش از مقدار تحمل وی بر او بار کردند. عمار نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت ای رسول خدا! اینان مرا کشتند و بیش از تواناییم به من تحمیل می کنند.

پیامبر با دست خود خاک هایی که بر پشت او بود تکان داد و پاک کرد و از این راه، به او اظهار لطف نمود و سپس فرمود: اینان تو را نمی کشند گروه ستمگری تو را خواهند

ص:۱۷۱

کشت: «إِنَّما تَقْتُلُکَ الْفِئَهُ الْباغِیَهُ»(۱)

آگاهی سوم در احادیث نبوی (۱۷۱)

این خبر غیبی رسول گرامی اسلام در جنگ صفین جامه تحقق پوشید و همان طور که حضرت خبر داده بود عمار در رکاب امیر مؤمنان علیه السلام به دست هواداران معاویه که گروه ستمگر و «فئه باغیه» بودند به شهادت رسید.

و پس از کشته شدن عمار ولوله عجیبی در لشکر معاویه افتاد

۱ سیره ابن هِشام: ۱/۴۹۶ ۴۹۷.

(۱۷۲) متافیزیک یا آگاهی سوم

زیرا این خبر غیبی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله را همه شنیده بودند و با کشته شدن عمار به دست معاویه و ارتش او، واضح شد که

۱- سیره ابن هِشام: ۱/۴۹۶ ۴۹۷.

معاویه و ارتش او همان گروهی هست که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آنان را به عنوان «گروه ستمگر» یاد کرده است و نیز روشن شد که علی علیه السلام و یاران او برحق هستند و همین پیشامد موجب شد که برخی از آنان که حاضر نبودند علی علیه السلام را در این جنگ کمک کنند از تردید و دو دلی درآمده و به ارتش آن حضرت پیوستند.

۸. شیرویه خسرو پرویز را به قتل رسانید

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله ضمن دعوت سران کشورهای جهان، نامه ای به خسروپرویز نوشت و از او خواست که اسلام بیاورد و از آیین «تقدیس» و احترام آتش دست بردارد وی از طرز نگارش

ص:۱۷۳

نـامه آن حضـرت، سـخت ناراحت شـد و به اسـتاندار یمن که «باذان» نام داشت که پیامبر صـلی الله علیه و آله نوشت که پیامبر صلی الله علیه و آله را به وسیله افرادی دلاور دستگیر کند و رهسپار ایران سازد.

آگاهی سوم در احادیث نبوی (۱۷۳)

مأموران «باذان» وارد مـدینه شدنـد و جریان را به آن حضـرت گفتند حضـرت به آنان فرمود: فردا بیایید فردا که آمدند به آنان گفت: برگردید به یمن و به «باذان» بگویید خداوند، شیرویه فرزند خسرو پرویز را بر او مسلط کرد و او را به قتل رسانید و دین و قدرت من به سرزمین ایران خواهد رسید و

ص:۱۷۴

همه جهان را فراخواهد گرفت(۱)

(۱۷۴) متافیزیک یا آگاهی سوم

و بدین ترتیب آن حضرت از حادثه ای که در ایران اتفاق افتاده بود و هنوز هیچ کس خبر نداشت آگاه بود و به آنان خبر داد و نیز از آینده اسلام که همه جهان را فرامی گیرد خبر داد.

۹. ای زبیر! با علی نبرد می کنی در حالی که تو ستمگری

۱ تاریخ طبری: ۳/۱۵۷۳ و سیره حلبی ۳/۲۷۸ و این است بخشی از حدیث: «دینی وَ سُلْطانی سَیَبْلُغُ مُلْکَ کَسْری...».

آگاهی سوم در احادیث نبوی (۱۷۵)

درجنگ جمل علی علیه السلام به زبیرگفت: آیا به خاطرداری که روزی من و تو در سقیفه با گروهی از انصار بودیم و رسول خدا صلی الله علیه و آله به

۱- تاریخ طبری: ۳/۱۵۷۳ و سیره حلبی ۳/۲۷۸ و این است بخشی از حدیث: «دینی وَ سُلْطانی سَیَبْلُغُ مُلْکَ کَسْری...».

تـو گفت: آیـا علی را دوست داری پاسـخ دادی چه چیز مـانع دوسـتی من نسـبت به علی است حضـرت فرمـود: به زودی بر او خروج می کنی و با او می جنگی در حالی که تو ستمگری.

زبیر کلام علی علیه السلام را تصدیق کرد... .(۱)

۱۰. بنی امیه بر جان و مال و دین مسلمانان مسلط می شوند

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله از آینده تاریک جامعه اسلامی و تسلط فرزندان امیه بر مردم، خبر می دهد و می فرماید:

«إِذا كَمُلَتْ بَنُو اُمَیَّهَ ثَلاثِینَ رَجُلًانِ اتَّخَذُوا بِلادَ اللّه ِ دُوَلاً وَ

۱- مستدرک حاکم: ۳/۳۶۶: «سَتُقاتِلُهُ وَ أَنْتَ لَهُ ظالِمٌ».

عَبادَاللّه ِ خَوَلاً وَ دینَ اللّه ِ دَغَلاً».

۱ مستدرک حاکم: ۳/۳۶۶: «سَتُقاتِلُهُ وَ أَنْتَ لَهُ ظالِمٌ».

(۱۷۶) متافیزیک یا آگاهی سوم

«هنگامی که بنی امیه به سی تن برسند شهرها را میان خود تقسیم می کنند و ولایت و حکومت بین آنان دست به دست می گردد و بندگان خدا را بندگان خود می دانند و آیین الهی را تخریب می کنند».(۱)

وقتی ابوذر غفاری این خبر را برای عثمان نقل کرد وی به خود لرزید و کسی را دنبال علی علیه السلام فرستاد تا از صحت و استواری این خبر آگاه گردد علی علیه السلام در مجلس عثمان، ابوذر را

۱ تاریخ یعقوبی: ۲/۱۷۲، چاپ لبنان و نیز به مسند احمد: ۳/۸۰ مراجعه شود.

آگاهی سوم در احادیث نبوی (۱۷۷)

۱- تاریخ یعقوبی: ۲/۱۷۲، چاپ لبنان و نیز به مسند احمد: ۳/۸۰ مراجعه شود.

تصدیق کرد و فرمود: این خبر را از پیامبر گرامی شنیده ام.

این گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان زمامداری عثمان و پس از وی در زمان معاویه و یزید و دیگران به روشنی تحقق یافت و حکومت اموی در دوران های مختلف چه در زمان عثمان و چه در زمان معاویه و چه در زمان آل مروان چهره تاریخ اسلام و انسانیت را سیاه کرد.

حکمرانان معاویه اموال عمومی و بیت المال را غارت کرده و دارای کاخ های وسیع و مزرعه های فراوان و نقدینه های حیرت زا بودند و با مسلمانان بسان برده معامله می کردند.

این بود ده مورد از خبرهای غیبی پیامبر گرامی اسلام، که در

ص:۱۷۸

کتاب های حدیث و تاریخ نقل شده است و ما این چند مورد را به عنوان نمونه ذکر کردیم وگرنه جمع آوری همه خبرهای غیبی آن حضرت احتیاج به تألیفی جداگانه دارد.

آگاهی سوم در احادیث نبوی (۱۷۹)

نهج البلاغه و خبرهای غیبی

۱. شهر بصره غرق می شود

پس از این که جنگ جمل به پایان رسید و بصره فتح شد علی علیه السلام خطبه ای ایراد کرد که بخشی از آن، از خبرهای غیبی آن حضرت به شمار می آید.

فرمود: «وَایْمُ اللّه ِ لَتَغْرَقَنَّ بَلْدَتُكُمْ كَأَنّی بِمَسْجِدِكُمْ كَجُؤْجُؤِ سَفینَهٍ...» .(۱)

۱ نهج البلاغه، خطبه ۱۳ .

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳ .

«به خدا سوگند شـهر شـما غرق می شود و مسجد شما بسان سینه کشتی (که بدنه آن در آب فرو می رود و تنها سینه اش روی آب ظاهر است) دیده می شود خداوند از بالا و پائین به این شهر عذاب خواهد فرستاد».

ابن ابی الحدید در شرح این کلام می نویسد:

بصـره تـاکنون دوبار در آب غرق شـده است یک بار در زمان «القادر باللّه و بار دیگر در زمان «القائم بامر اللّه طغیان آب های خلیج فارس این شـهر را در آب فرو برد و از آن همه ساختمان تنها قسـمتی از مسجد جامع همان طور که علی علیه السلام خبر داده بود

در میان۱۸۱ آب دیده می شد و در این دو حادثه تمام خانه ها

خراب شد و جمعیت زیادی غرق شدند.(۱)

۲. معاویه بر سرزمین عراق مسلط می گردد

۳. از آن ها ده نفر جان به سلامت نمی برند و از شما هم ده نفر کشته نمی شوند

در نبردی که میـان امـام علیه السـلام و خوارج در کنـار نهروان رخ داد امام پس از اتمام حجت، و بازگشت گروهی از آنان به صفوف امام، رو به یاران خود کرد و فرمود:

«مَصارِعُهُمْ دُونَ النَّطْفَهِ وَاللّه ِ لایَفْلَتُ مِنْهُمْ عَشَرَهٌ وَلا یُهْلَکُ مِنْکُمْ عَشَرَهٌ»(۲)

۱ نهج البلاغه، خطبه ۵۸ .

«قتلگاه آنان کنار آب نهروان است به خدا سوگند، از گروه

امیر مؤمنان علیه السـلام خبر می دهد که او پیش از معاویه از دنیا می رود و معاویه پس از او بر عراق مسلط می گردد و سپس می افزاید:

«اِنَّهُ سَیَأْمُرُکُمْ بِسَبّی وَ الْبَراءَهِ مِنّی...».

«از شما می خواهد که به من ناسزا گویید و از من

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۱/۲۵۳ چاپ بیست جلدی .

۲- نهج البلاغه، خطبه ۵۸ .

بیزاری جویید...».(۱)

۱ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۱/۲۵۳ چاپ بیست جلدی .

همان طور که علی علیه السلام خبر داده بود، معاویه پس از آن حضرت بر عراق مسلط شد و از مردم خواست که به آن حضرت ناسزا بگویند و از او بیزاری جویند و داستان اسف انگیز ناسزاگویی به علی علیه السلام حتی در خطبه های نماز جمعه که از زمان معاویه به دستور او مرسوم شده بود در تواریخ ثبت و ضبط است.(۲)

۱ نهج البلاغه، خطبه ۵۷.

۲ به شرح نهج البلاغه: ۴/۵۵ ۱۲۸ مراجعه شود.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۵۷.

۲- به شرح نهج البلاغه: ۴/۵۵ ۱۲۸ مراجعه شود.

آنان ده نفر جان به سلامت نمی برند و از شما هم ده تن کشته نمی شود».

ابن ابی الحدید می گوید این خبر غیبی یکی از معجزات علی علیه السلام است که نقل آن نزدیک به تواتر رسیده است و در نبردی که میان امام و خوارج نهروان رخ داد همه شاهد بودند که نه نفر از خوارج جان به سلامت بردند و از میان یاران علی علیه السلام فقط هشت تن به شهادت رسیدند(۱)

۱ به شرح نهج البلاغه: ۵/۳۱۳ مراجعه شود.

۱- به شرح نهج البلاغه: ۵/۳۱۳ مراجعه شود.

۴. مروان بن حکم حکومت بسیار کوتاهی خواهد داشت

مروان بن حکم در جنگ جمل اسیر شد و امام حسن و امام حسین علیهم السلام از پدر عفو او را خواستند حضرت او را آزاد کرده، و سپس فرمود:

«أَمّاانَّ لَهُ اِمْرَهً کَلَعْقَهِ الْکَلْبِ أَنْفَهُ وَ هُوَ أَبُوالْأَکْبَشِ الْاَرْبَعَهِ وَ سَتُلْقَی الْاُمَّهُ مُنْهُ وَ مِنْ وُلْدِهِ یَوْما أحْمَرَ».(۱)

«آگاه باشید برای این مروان فرمانروایی کوتاهی است بسان لیسیدن سگ بینی خود را (این تعبیر کنایه از کوتاهی مدت

۱ نهج البلاغه، خطبه ۷۲ .

۱- نهج البلاغه، خطبه ۷۲ .

فرمانروایی است) او پدر چهار رئیس است و امت اسلامی از فرمانروایی او و فرزندانش روزگار خونینی خواهند دید».

همان طور که آن حضرت خبر داده بود مروان به حکومت رسید اما حکومت او بیش از نه ماه طول نکشید و چهار فرزندش که یکی از آن ها عبدالملک و سه تای دیگر عبارتند از: عبدالعزیز، بشر و محمد به ریاست رسیدند عبدالملک، خلیفه شد و آن سه والی مصر و عراق و جزیره شدند.

و امت اسلامی از مروان و فرزندانش روزهای خونینی دیدند که روشن ترین گواه آن، ظلم و ستم و خونریزی هایی است که به دست حجاج بن یوسف خونخوار که از طرف عبدالملک مروان،

والی و استاندار عراق بود انجام شد(۱)

۱- به شرح نهج البلاغه: ۶/۱۴۶ ۱۴۸ مراجعه شود.

۵. جوان ثقفی بر شما مسلط می شود و هستی شما را غارت می کند

«أَمّا وَاللّه ِ لَیُسَلِّطَنَّ عَلَیْکُمْ غُلامُ ثَقیفٍ الْذَیّالُ الْمَیّالُ یَأْکُلُ خُضْرَتَکُمْ وَ یُذیبُ شَحْمَتَکُمْ...».(۱)

«آگاه باشید به خدا سوگند جوانی متکبر و ستمگر از طایفه ثقیف بر شما مسلط می شود که سبزه شما را می خورد و پیه شما

۱- نهج البلاغه: خطبه ۱۱۵ .

را آب می کند کنایه از این که به جان و مال شما رحم نمی کند و همه را از آن خود می داند».

۱ به شرح نهج البلاغه: ۶/۱۴۶ ۱۴۸ مراجعه شود.

۲ نهج البلاغه: خطبه ۱۱۵ .

این جوان ثقیفی همـان حجـاج بن یوسف ثقفی خونخوار و سـتمگر معروف بود که در ایـام حکومت خود به جان و مال مردم افتاد و هزاران نفر را به قتل رسانید.(۱)

۱ شرح نهج البلاغه: ۷/۲۷۶ ۲۸۱.

۱- شرح نهج البلاغه: ۷/۲۷۶ ۲۸۱.

۶. برنامه مهدی موعود علیه السلام پیروی از قرآن و هدایت است

«یَعْطِفُ الْهَوی عَلَی الْهُدی إِذا عَطَفُوا الْهُدی عَلَیِ الْهَوی وَ یَعْطِفُ الرَّأْیَ عَلَی الْقُرْآنِ إِذا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَی الرَّأْیِ».(۱)

«هنگـامی که مردم هـدایت را پیرو هواهـای نفسـانی خود قرار دهنـد مهـدی موعود علیه السـلام می آیـد و هواهـای نفسانی را مغلوب هدایت می نماید و نیز هنگامی که مردم قرآن را بر آراء و نظریات و تمایلات شخصـی خود تطبیق نمودند آن حضرت آراء و نظریات را تابع قرآن قرار می دهد

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

برنامه آن حضرت حکومت قرآن و هدایت است».(۱)

۱ نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۷. اگر بخواهم از همه خصوصیات شما خبر دهم می توانم

«وَ اللّه ِ لَوْ شِئْتُ اَنْ اُخْبِرَ کُلَّ رَجُلٍ مِنْکُمْ بِمَخْرَجِهِ وَ مُولِجِهِ وَ جَمیعِ شَأْنِهِ لَفَعَلْتُ وَ لکِنْ أَخافُ أَنْ تَکْفُرُوا فِیَّ بِرَسُولِ اللّه ِ صلی الله علیه و آله ...»(۲)

«به خدا سوگند اگر بخواهم می توانم از همه خصوصیات هر

۱ به شرح نهج البلاغه: ۹/۱۳۸ مراجعه شود.

۲ نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۱- به شرح نهج البلاغه: ۹/۱۳۸ مراجعه شود.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

کدام شـما که از کجا و چگونه و به چه هدف آمده و چه تصمیم دارید و خصوصیات دیگر خبر دهم. اما می ترسم درباره من غلو کنیـد و مرا از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله بالاتر بدانیـد و یا به خـدایی من معتقـد شوید و این عقیده موجب کفر شـما بود».

ابن ابی الحدید در ذیل این کلام، می نویسد: این گفتار علی علیه السـلام مانند گفتار حضـرت مسـیح علیه السلام است که می گفت: از معجزه های من این است که:

«...وَ اُنَبِّئُکُمْ بِما تَأْکُلُونَ وَ ما تَدَّخِرُونَ فی بُیُوتِکُمْ...»(۱)

۱ ۴۹ / آل عمران .

ص:۱۹۲

۱- ۴۹ / آل عمران .

«شما را از غذایی که در خانه می خورید و از آن چه ذخیره می کنید خبر می دهم».

۸. زمانی بیاید که از اسلام فقط نام آن باقی ماند

«یَأْتی عَلَی النّاسِ زَمانٌ لا یَبْقی فیهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ أَلاّ رَسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلامِ اِلاَّ اسْمُهُ، مَساجِدُهُمْ یَوْمَئِذٍ عامِرَةٌ مِنَ الْبِناءِ خَرابٌ مِنَ الْهُدی...».(۱)

۱ نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۶۹.

«روزگاری بیاید که در میان مردم از قرآن جز خواندن و

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۶۹.

قرائت و از اسلام جز نامی باقی نماند، در آن زمان مساجد از حیث بنا و ساختمان معمور و آباد است اما از جهت هدایت و معنویت خراب است (مسلمانان به اسم اسلام و قرآن اکتفا می کنند و رفتن به مساجد هم جنبه تشریفات به خود می گیرد در صورتی که اسلام و قرآن باید در متن زندگی آنان حاکم باشد)».

(۱۹۴) متافیزیک یا آگاهی سوم

۹. خوارج پس از من با خواری و ذلت زندگی خواهند کرد

«اَمّا اِنَّکُمْ سَتُلْقَوْنَ بَعْدی ذُلاًّ شامِلًا وَ سَیْفا قاطِعا وَاِثْرَهً یَتَّخِذُهَا الظّالِمُونَ فیکُمْ سُنَّهً»(۱)

«آگاه باشید پس از من با ذلت همه جانبه و شمشیر برنده و استبداد روبرو می گردید اموال و حقوق شما را ستمگران می گیرند و این کار درباره شما برای همیشه معمول و رسم می گردد».

همان طور که امیر مؤمنان علیه السلام خبر داد خوارج پیوسته از

۱- نهج البلاغه، خطبه ۵۷.

طرف حکومت ها، مورد تعقیب قرار گرفته اموال آنان پیوسته از طرف ستمگران تصاحب می شد.(۱)

۱ نهج البلاغه، خطبه ۵۷.

۱۰. از هر چه سؤال کنید خبر می دهم

«فَاسْأَلُونیقَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونی،فَوَالَّذی نَفْسییَدِهِ لاتَسْأَلُونی عَنْ شَیْ ءٍ فیما بَیْنَکُمْ وَ بَیْنَ السّاعَهِ... إلاّ أنْبَأْتُکُمْ...». (۲)

در این خطبه امیر مؤمنان حدود آگاهی خویش از غیب را

۱ شرح نهج البلاغه، ذیل همان خطبه.

۲ نهج البلاغه، خطبه ۹۳.

۱- شرح نهج البلاغه، ذیل همان خطبه.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۹۳.

بیان می کند و می فرماید:

«از هر چه که تا قیامت پیش می آید سؤال کنید جواب خواهم داد و از هر نبرد و جنگی که پیش می آید و خصوصیات آن، تعداد افرادی که کشته می شوند یا می میرند و این که در کجا کشته می شوند و کجا به خاک سپرده می شوند از همه این ها آگاهی دارم».(۱)

این بود ده مورد از خبرهای غیبی امیرمؤمنان علیه السلام که در نهج البلاغه آمده است.

۱ به شرح نهج البلاغه: ۷/۵۷ مراجعه شود.

۱- به شرح نهج البلاغه: ۷/۵۷ مراجعه شود.

البته خبرهای غیبی آن حضرت که در نهج البلاغه و سایر کتاب های تاریخ و حدیث یاد شده فراوان است و یکی از دانشمندان معاصر هفتاد و پنج مورد از آن ها را در کتابی گرد آورده و به نام اخبار غیبی امیرمؤمنان علیه السلام منتشر ساخته است ولی ما به جهت رعایت اختصار به همین اندازه اکتفا می کنیم.

معرفت سوم در احادیث امامان

همـان طور که در بخش پنجم این کتـاب یـاد شـد یکی از کتـاب هـایی که در آن خبرهای غیبی رسول اکرم و امامان معصوم گردآوری شـدهاست کتاب پر ارج «اثبات الهـداه بالنصوص و المعجزات» تألیف محـدث عالی مقـدار مرحوم شـیخ حرّ عاملی (متوفای سال ۱۱۰۴ هجری) می باشد.

نگارنـده بـا مروری نه بسـیار دقیق آمـاری از خبرهـای غیبی که در این کتـاب آورده شـده تهیه کرده تـا فهرست وار در اختیار خوانندگان عزیز بگذارد.

خبرهای غیبی حضرت مجتبی علیه السلام بیش از ده حدیث .

معرفت سوم در احادیث امامان (۱۹۹)

ص:۱۹۹

خبرهای غیبی حضرت امام حسین علیه السلام ده حدیث.

خبرهای غیبی حضرت امام سجاد علیه السلام حدود بیست حدیث.

خبرهای غیبی حضرت امام باقر علیه السلام حدود پنجاه حدیث.

خبرهای غیبی حضرت امام صادق علیه السلام صد و پنجاه حدیث.

خبرهای غیبی حضرت امام کاظم علیه السلام حدود هشتاد حدیث.

خبرهای غیبی حضرت امام رضا علیه السلام حدود سی حدیث.

خبرهای غیبی حضرت امام جواد علیه السلام بیش از سی حدیث.

خبرهای غیبی حضرت امام هادی علیه السلام حدود پنجاه حدیث.

خبرهای غیبی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بیش از هشتاد حدیث.

(۲۰۰) متافیزیک یا آگاهی سوم

خبرهای غیبی حضرت امام زمان علیه السلام بیش از صد حدیث.

البته قسمتی از این احادیث مکرر است و اگر مکررات آن ها را محاسبه نکنیم باز شماره آن ها به اندازه ای زیاد است که برای هر خواننده منصفی اطمینان بخش است.

و چون در دو بخش قبلی نمونه هایی از خبرهای غیبی رسول گرامی صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان آورده شد در این بخش از خبرهای غیبی امام مجتبی علیه السلام تا امام زمان علیه السلام یاد می شود.

در این جا از باب نمونه از هر یک از امامان علیهم السلام یک خبر غیبی از همین کتاب اثبات الهداه نقل می کنیم:

۱. امام مجتبی علیه السلام از این که وسیله همسر خود «جعده»

مسموم می شود خبر داد و نیز به امام حسین علیه السلام گفت:

سی هزار نفر از مردمی که ادعا می کنند از امت اسلام هستند برای کشتن تو و اسیر کردن فرزندان و خانواده تو با هم، هم دست می شوند.(۱)

۲. عمر بن سعد به امام حسین علیه السلام گفت: یا اباعبداللّه در ناحیه ما مردم بی خردی هستند که می گویند: من شما را می کشم حضرت فرمود آن ها بی خرد نیستند بلکه خردمندانند اما چشم من به این روشن است که تو پس از من جز کمی از گندم عراق

نخواهی خورد. (۱)

۱ اِثْباتُ الْهُداهِ: ۵/۱۴۷ و ۱۵۰ به نقل از اَمالی صَدُوق و خَرائِجِ راوَنْدی .

(۲۰۲) متافیزیک یا آگاهی سوم

اشاره به این که پس از داستان کربلا ـ ابن سعد، عمر زیادی نخواهد کرد و از عراق خارج نخواهد شد و به حکومت ری نخواهد رسید.

۳. امام سجاد علیه السلام به فرزندش امام باقر علیه السلام فرمود: پس از من برادرت عبداللّه ادعای امامت می کند و مردم را به سوی خود دعوت می نماید اما عمر او کوتاه است و زود از دنیا می رود.

امام باقر علیه السلام می فرماید: پس از رحلت پدرم برادرم عبداللّه

۱ همان کتاب: ۵/۱۹۹ به نقل از ارشاد شیخ مفید.

۱- اِثْباتُ الْهُداهِ: ۵/۱۴۷ و ۱۵۰ به نقل از اَمالی صَدُوق و خَرائِجِ راوَنْدی .

ادعای امامت و جانشینی پدرم را نمود ولی طولی نکشید که از دنیا رفت و همان طور که پدرم خبر داده بود شد.(۱)

۴. امام محمـد باقر علیه السـلام جوانی را در مسـجد دیـد که می خندیـد فرمود: در خانه خـدا می خنـدی در حالی که سه روز دیگر از دنیا خواهی رفت. آن جوان پس از سه روز از دنیا رفت.

و نیز به ابوبصـیر فرمود: هنگامی که به کوفه برگردی خداونـد دو پسـر به تو عنایت می کند یکی را عیسـی و دیگری را محمد نام می گذاری و هر دوی آن ها از شیعیان ما خواهند بود.

۱ همان کتاب: ۵/۲۴۵ ۲۴۶ به نقل از کَشْفُ الْغُمَّهِ اِرْبِلیّ .

۱- همان کتاب: ۵/۲۴۵ ۲۴۶ به نقل از کَشْفُ الْغُمَّهِ اِرْبِلیّ .

ابوبصیر می گوید همان طور که امام علیه السلام خبر داده بود، شد.(۱)

۵. در داستان آن مرد شامی و هشام که درباره امامت با هم بحث می کردند، مرد شامی به هشام گفت در زمان ما امام کیست؟

هشام اشاره به امام صادق علیه السلام کرد و گفت: امروز امام ما همین مردی است که این جا نشسته و مردم از گوشه و کنار به سوی او کوچ می کنند و ما را از آسمان و زمین خبر می دهد و این علم و دانش را از پدران خود تا رسول خدا به ارث برده است.

۱ همان کتاب: ۵/۳۰۵ به نقل از مَشارِقُ الْاَنْوارِ.

۱- همان کتاب: ۵/۳۰۵ به نقل از مَشارِقُ الْاَنْوارِ.

مرد شامی گفت: از کجا این سخن را تصدیق کنم و بپذیرم؟

هشام گفت: هم اکنون هر چه می خواهی از او بپرس.

امـام صـادق علیه السـلام رو به او کرد و فرمود: می خواهی از جزئیـات مسافرتت تا این جا خبر دهم پس از این که همه را خبر داد، مرد شامی امامت آن حضرت را تصدیق کرد و ایمان آورد. (۱)

۶. سلیمان بن حفص می گوید: بر امام هفتم وارد شدم برای این که از آن حضرت بپرسم امام بعد از شما کیست. پیش از

۱ همان کتاب: ۵/۳۳۶ به نقل از کافی و ارشاد مفید و اعلام الوری طبرسی و احتجاج طبرسی .

۱- همان کتاب: ۵/۳۳۶ به نقل از کافی و ارشاد مفید و اعلام الوری طبرسی و احتجاج طبرسی .

این که من سؤال را مطرح کنم حضرت فرمود: ای سلیمان! پس از من فرزندم علی، وصی و جانشین من و حجت خدا بر مردم است.(۱)

۷. حمزه بن جعفر می گوید: یک سال حضرت رضا علیه السلام و هارون الرشید هر دو به حج آمده بودند یک روز در مسجدالحرام بودیم هارون از یک درب خارج شد و حضرت رضا علیه السلام از درب دیگر و من خدمت آن حضرت بودم اشاره به هارون کرد و فرمود: چقدر خانه او دور است و ملاقات نزدیک سپس فرمود:

۱ همان کتاب: ۵/۵۰۸ به نقل از عیون اخبارالرضا.

۱- همان کتاب: ۵/۵۰۸ به نقل از عیون اخبارالرضا.

طوس، طوس، ای طوس به زودی بین هارون و من جمع خواهی کرد.(۱)

و بدین ترتیب از این که محل دفن هر دوی آن ها در خراسان خواهد بود خبر داد.

۸. حضرت عبدالعظیم حسنی که در «ری» مدفون است می گوید، بر امام جواد علیه السلام وارد شدم و می خواستم از آن حضرت بپرسم که آیا قائم آل محمد صلی الله علیه و آله همان مهدی موعود است یا غیر از او است.

۱ همان کتاب: ۶/۷۷ به نقل از عیون اخبارالرضا.

۱- همان کتاب: ۶/۷۷ به نقل از عیون اخبارالرضا.

آن حضرت پیش از این که من سؤال خود را عنوان کنم فرمود: ای عبدالعظیم! قائم آل محمد همان مهدی است. (1)

۹. احمـد بن عیسـی می گوید: پیامبر گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که یک مشت خرما به من مرحمت کرد خرماها را شـمردم بیست و پنج دانه بود سـپس بر امام هادی علیه السلام وارد شدم آن حضرت یک مشت خرما به من داد و فرمود: اگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زیادتر می داد من هم زیادتر می دادم.

احمد بن عیسی می گوید: خرماها را شمردم همان بیست و

۱- همان کتاب: ۶/۱۸۱ به نقل از اکمال الدین صدوق.

پنج دانه بود. (۱)

۱ همان کتاب: ۶/۱۸۱ به نقل از اکمال الدین صدوق.

۱۰. حجاج عبـدی می گویـد: هنگام حرکت از بصـره پسـرم بیمار بود برای حضـرت عسـکری علیه السـلام که در سامرا بودند نوشتند که در حق او دعا کند حضرت در جواب من نوشتند:

خداوند پسرت را رحمت کند که با ایمان بود.

پس از چنـدی که از بصـره خبر فوت فرزنـدم رسـید، معلوم شد در همان روزی که حضـرت عسـکری علیه السـلام نامه نوشـته بودند از

دنیا رفته است. (۱)

۱ همان کتاب: ۶/۲۶۶ به نقل از اَلصِّراطُ الْمُسْتَقیمُ عَلِیِّ بنِ یُونُسِ بَیاضی عامِلی.

این بود نمونه هایی از خبرهای غیبی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام پس از او، که در این سه بخش نقل شد و خواننده گرامی می تواند برای مطالعه بیش از این مقدار به کتاب «اِثْباتُ الْهُداهِ» که با ترجمه فارسی در هفت مجلد به چاپ رسیده است مراجعه کند.

۱ همان کتاب: ۶/۳۲۳ به نقل از خَرائِجِ راوَنْدی .

۱- همان کتاب: ۶/۲۶۶ به نقل از اَلصِّراطُ الْمُسْتَقیمُ عَلِیِّ بنِ یُونُسِ بَیاضی عامِلی.

با وجود معرفت سوم

چرا امامان هدف تیر بلا بودند؟

در این جـا سؤالی مطرح می گردد و آن این که اگر اثر ولایت الهی در پیامبران و پیشوایان معصوم این است که حوادث را، با دیـده الهی درک نمایند، باید پیوسـته از خطرها و ناگواری ها جان به سـلامت ببرند، هیچ گاه، کاسه زهری را که دشـمنانشان برای آن ها ترتیب می دادنـد ننوشـتند، در محراب عبادت شـهید نشوند و در میدان نبرد مورد ضـربات دشـمن و هدف تیرهای زهرآگین آنان واقع نشوند.

از این که آنان در قلمرو چنین حوادث ناگوار قرار می گرفتند،

می توان گفت که از وجود پیشامدها که در بستر زمان بودند آگاهی نداشتند، واگر آگاهی داشتند جان و مال خود را به خطر نمی افکندند.

این سؤال که اخیرا بر سر زبان ها افتاده و در گذشته نیز به گونه ای وجود داشته گروهی را بر آن داشته است که درباره وجود چنین آگاهی به شك و تردید افتند.

با وجود معرفت سوم چرا امامان هدف تیر... (۲۱۳)

ص:۲۱۳

علم امام تأثیری در عمل و ارتباطی با تکلیف وی ندارد

نکته ای که باید به سوی آن عطف توجه کرد این است که این گونه علم موهبتی، به موجب ادله عقلی و نقلی که آن را اثبات می کند قابل هیچ گونه تخلف نیست و تغییر نمی پذیرد و سر مویی به خطا نمی رود و به اصطلاح علم است به آن چه در لوح محفوظ ثبت شده است. و آگاهی است از آن چه قضای حتمی خداوندی به آن تعلق گرفته.

و لازمه این مطلب این است که هیچ گونه تکلیفی به متعلق این گونه علم (از آن جهت که متعلق این گونه علم است و حتمی الوقوع می باشد) تعلق نمی گیرد و هم چنین قصد و طلبی

از انسـان با او ارتباط پیـدا نمی کنـد زیرا تکلیف همواره از راه امکان به فعل تعلق می گیرد و از راه این که فعل و ترک هر دو در اختیار مکلف انـد فعل یا ترک خواسـته می شود و اما از جهت ضـروری الوقوع و متعلق قضای حتمی بودن آن محال اسـت که مورد تکلیف قرار گیرد.

مثلاً صـحیح است خدا به بنده خود بفرماید فلان کاری را که فعل و ترک آن برای تو ممکن است و در اختیار تست بکن ولی محال است بفرمایـد فلان کاری را که به موجب مشـیت تکوینی و قضای حتمی من، البته تحقق خواهد یافت بکن یا مکن زیرا چنین امر و نهیی لغو و بی اثر می باشد.

علم امام تأثیری در عمل و ارتباطی با... (۲۱۵)

ص:۲۱۵

و هم چنین انسان می توانـد امری را که امکان شـدن و نشـدن دارد اراده کرده برای خود مقصـد و هدف قرار داده برای تحقق دادن آن به تلاش و کوشش بپردازد ولی هرگز نمی تواند امری را که به طور یقین (بی تغییر و تخلف) و به طور قضای حتمی، شـدنی است اراده کنـد و آن را مقصـد خود قرار داده تعقیب کنـد زیرا اراده و عـدم اراده و قصـد و عـدم قصد انسان کمترین تأثیری در امری که به هر حال شدنی است و از آن جهت که شدنی است، ندارد.

مثلًا اگر کسی علم پیدا کند که اگر سر ساعت فلان از روز فلان در نقطه معینی از فلان خیابان شهر باشد حتما زیر ماشین رفته

هلاك خواهد شد (علمی است مشروط و مقید) البته تا می تواند در وقت مفروض در نقطه مفروض حاضر نمی شود و از این راه جان خود را حفظ می کند و پر روشن است که نرفتن او به نقطه خطر اثر علم است.

و اگر علم پیدا کند که در سر ساعت فلان از روز فلان در فلان نقطه از فلان خیابان شهر حتما زیر ماشین خواهد رفت و این علم هیچ گونه تخلف ندارد و هیچ تلاشی جلو این خطر را نمی تواند بگیرد (علم به قضای حتمی) بدیهی است که این شخص با وجود علم به خطر برای رفع خطر دست به هیچ تلاشی نخواهد زد زیرا می داند که سودی ندارد و فایده ای

نخواهد بخشید و این همان است که گفته شد «علم به قضای حتمی تأثیری در زندگی عملی انسان ندارد و تکلیف آور نیست». این شخص با وجود علم به خطر به زندگی عادی خود ادامه می دهد اگر چه منتهی به خطر خواهد شد و مشمول آیه کریمه «وَ لا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» نیست زیرا در تهلکه واقع شده نه این که خود را به تهلکه انداخته بر خلاف شخص مفروض اولی که مکلف است تا می تواند برای نجات از خطر چاره ای بیندیشد و خود را به تهلکه نیندازد.

و از این بیان روشن می شود که:

۱. این علمِ موهبتیِ امام علیه السلام اثری در اعمال او و ارتباطی

با تکالیف خاصه او نـدارد. و اصولاً هر امر مفروض از آن جهت که متعلَّقِ قضای حتمی و حتمی الوقوع است متعلق امر یا اراده و قصد انسانی نمی شود.

آری متعلَّق قضای حتمی و مشـیت قاطعه حق متعال مورد رضا به قضا است چنان که سیدالشهداء علیه السلام در آخرین ساعت زندگی در میان خاک و خون می گفت:

«رِضا بِقَضاءِکَ وَ تَسْلیما لِاِمْرِکَ لا مَعْبُودَ سِواک»(۱) و

۱ خدایا راضی ام به رضای تو و تسلیم امر تو هستم، هیچ معبودی به جز تو وجود ندارد.

هم چنین در خطبه ای که هنگام بیرون آمدن از مکه خواند و فرمود:

«رِضَا اللّه ِرِضانا أَهْلَ الْبَیْتِ».

۲. ممکن است کسی تصور کند که علم قطعی به حوادث قطعی غیر قابل تغییر مستلزم جبر است مثلاً اگر فرض شود که امام علم داشت که فلان شخص در فلان وقت و فلان مکان با شرایط معینی او را خواهد کشت و این حادثه به هیچ وجه قابل تغییر نیست لازمه این فرض این است که ترک قتل در اختیار قاتل نبوده برای وی مقدور نمی باشد یعنی قاتل مجبور به قتل باشد و با فرض مجبوریت برای شخص مجبور تکلیفی نیست!

و این تصوری است بی پایه زیرا:

اوّلاً این اشکال در حقیقت اشکال است به عمومیت تعلق قضای الهی به افعال اختیاری انسان (نه به علم امام) و طبق این اشکال طایفه معتزله از سنّی ها می گویند: تقدیر خداوندی نمی تواند به فعل اختیاری انسان متعلق شود و انسان مستقلاً آفریدگار فعل خود می باشد و در نتیجه انسان خالق افعال خود و خدا خالق بقیه اشیاء!

در حالی که به نص قرآن کریم و اخبار متواتره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام همه موجودات و حوادث جهان بدون استثناء متعلق قضا و قدر خداوندی عزّاسمه است.

علم امام تأثیری در عمل و ارتباطی با... (۲۲۱)

ص:۲۲۱

از راه بحث عقلی نیز مطلب روشن و واضح است اگر چه به واسطه وسعت اطراف آن نمی توانیم آن را در این مقاله مختصر بگنجانیم.

آن چه به طور اجمال می شود گفت این است که در جهان هستی که آفرینش خدا است چیزی جز با مشیت و اذن خداوندی به وجود نمی آید و مشیت خداوندی به افعال اختیاری انسان از راه اراده و اختیار تعلق گرفته است مثلاً خداوند خواسته که انسان فلان فعل اختیاری را از راه اراده و اختیار انجام دهد و البته بدیهی است فعل با این وصف لازم التحقیق خواهد بود و باز هم اختیاری است زیر اگر اختیاری

نباشد اراده خداوندی از مرادش تخلف می کند.

(۲۲۲) متافیزیک یا آگاهی سوم

«وَ ما تَشاؤُنَ اِلاّ اَنْ یَشاءَ اللّهُ رَبُّ الْعالَمینَ»(۱)

و ثانیا با صرف نظر در تعلق قضا و قدر به فعل اختیاری انسان به نص صریح کتاب و سنت متواتره، خداوند لوح محفوظی خلق فرموده که همه حوادث گذشته و آینده جهان را در آن ثبت کرده و هیچ گونه تغییری در آن راه ندارد و خود نیز به آن چه در آن است عالم است. آیا خنده دار نیست بگوییم که ثبت حوادث غیر قابل تغییر در لوح محفوظ و علم قبلی خداوند

۱۲۹ / تکویر .

علم امام تأثیری در عمل و ارتباطی با... (۲۲۳)

ص:۲۲۳

به آن ها افعال انسان را جبری نمی کند ولی اگر امام به برخی از آن ها یا به همه آن ها علم پیدا کرد، افعال اختیاری انسان و من جمله فعل قاتل امام جبری می شود؟

۳. این که ظواهر اعمال امام علیه السلام را که قابل تطبیق به علل و اسباب ظاهری است نباید دلیل نداشتن این علم موهبتی و شاهد جهل به واقع گرفت مانند این که گفته شود: اگر سیدالشهداء علیه السلام علم به واقع داشت چرا مسلم را به نمایندگی خود به کوفه فرستاد؟ چرا توسط صیداوی نامه به اهل کوفه نوشت؟ چرا خود از مکه رهسپار کوفه شد؟ چرا خود را به هلاکت انداخت و حال

آن که خدا می فرماید: «...وَ لاتُلْقُوا بِاَیْدیکَمْ اِلَی التَّهْلُکَهِ...»(۱) چرا؟ و چرا؟

پاسخ همه این پرسش ها از نکته ای که تذکر دادیم روشن است، و امام علیه السلام در این موارد و نظایر آن ها به علومی که از مجاری عادت و از شواهد و قراین به دست می آید عمل فرموده و برای رفع خطر واقعی که می دانست هیچ گونه اقدامی نکرده

۱ ۱۹۵ / بقره .

زیرا می دانست که تلاش سودی ندارد و قضای حتمی و تغییرپذیر نیست چنان که خدای متعال در کلام خود در سوره

۱- ۱۹۵ / بقره .

آل عمران در برابر آنان که در جنگ احد گفته بودند اگر یاران کشته شده، پیش ما بودند نمی مردند و کشته نمی شدند می فرماید:

«...قُلْ لَوْ کُنْتُمْ فی بُیُوتِکُمْ لَبَرَزَالَّذینَ کُتِبَ عَلَیْهِمُ الْقَتْلُ اِلی مَضاجِعِهِمْ...»(1)

«بگو اگر در خانه هایتان نیز بودید کسانی که برایشان قتل نوشته شده بود به سوی خوابگاه های خود بیرون می آمدند».

۱ ۱۵۴ / آل عمران .

۱- ۱۵۴ / آل عمران .

قسم دوم از علم امام علم عادی

پیغمبر صلی الله علیه و آله به نص قرآن کریم و هم چنین امام علیه السلام (از عترت پاک او) بشری است همانند سایر افراد بشر و اعمالی که در مسیر زندگی انجام می دهد مانند اعمال سایر افراد بشر در مجرای اختیار و براساس علم عادی قرار دارد.

امام علیه السلام نیز مانند دیگران خیر و شر و نفع و ضرر کارها را از روی علم عادی تشخیص داده و آن چه را شایسته اقدام می بیند اراده کرده، در انجام آن به تلاش و کوشش می پردازد، در جایی که علل و عوامل و اوضاع و احوال خارجی موافق می باشد به هدف اصابت می کند و در جایی که اسباب و شرایط مساعدت

نکنند از پیش نمی رود.

علم امام تأثیری در عمل و ارتباطی با... (۲۲۷)

(و این که امام علیه السلام به اذن خدا به جزئیات همه حوادث چنان که شده و خواهد شد واقف است تأثیری در این اعمال اختیاریه وی ندارد).

امام علیه السلام مانند سایر افراد انسانی بنده خدا و به تکالیف و مقررات دینی مکلف وموظف می باشد وطبق سرپرستی وپیشوایی که از جانب خدا دارد با موازین عادی انسان باید انجام دهد و آخرین تلاش و کوشش را در احیای کلمه حق و سرپانگهداشتن دین و آیین بنماید.

تا این جا پاسخ استاد که به خامه خود ایشان نگارش یافته

(۲۲۸) متافیزیک یا آگاهی سوم

است در این صفحات منعکس گردید و ما فکر می کنیم با توجه به مقام علمی استاد و پاسخ علمی و استوار ایشان نیازی به پاسخ دیگر نیست ولی شاید این پاسخ برای گروهی سنگین به نظر برسد اینک سؤال پیش را به گونه ای دیگر پاسخ می گوییم.

پاسخ:

خلاصه این پاسخ این است که امام در زندگی عادی خود از آگاهی سوم کمک نمی گیرد.

توضیح این که:

پیامبر و امام با داشتن شخصیت الهی و روح ولایت (البته بخشی از شخصیت آنان مرهون مواهب خدایی است و بخش

دیگر محصول کوشش آنان در راه عبادت و بندگی خدا می باشد) در زندگی شخصی و رویارویی با حوادث و پیشامدها و نیز در مقام قضاوت و داوری، به علم عادی خود عمل می کنند.

یعنی با این که آنان در پرتو روح ولایت، حوادث و پیشامدها را از افق بالا می بینند و بر اثر علم و آگاهی ماورای طبیعی از علل و انگیزه ها، از جریان ها و رویدادها مطلع و باخبر هستند ولی درعین حال روی مصالحی از این علم و آگاهی، در زندگی شخصی خود و حتی در امور مربوط به اجتماع مانند قضاوت و داوری استفاده نمی کنند.

و به عبارت دیگر، پیامبر و امام، مشکلات زندگی خود را با

استفاده از این سلاح غیبی برطرف نمی سازند و علل و انگیزه های حوادث ناگوار را، با استفاده از این علم و آگاهی، خنثی نمی کنند و گره خصومت و اختلاف افراد را با استفاده از علم غیب باز نمی نمایند.

پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد بود، به وی خبر دادند وضع فرزند عزیز وی ابراهیم وخیم است، وی به خانه آمد و فرزند خود را به آغوش گرفت در حالی که چشم به چهره او دوخته بود، چنین گفت: ابراهیم عزیز! کاری از من برای تو ساخته نیست، تقدیر الهی نیز برنمی گردد، چشم پدرت در مرگ تو گریان، و دل او محزون و اندوه بار است، ولی هرگز سخنی که موجب خشم خدا

گردد بر زبان جاری نمی سازم، اگر وعده صادق و محقق الهی نبود که ما نیز به دنبال تو خواهیم آمد در فراق و جدایی تو بیش از این گریه می کردم و غمگین می شدم.(۱)

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در دوران رسالت خود سه سلاح غیبی برنده، در اختیار داشت که هر کدام می توانست در لحظات حساس، و هنگام پیشامدهای ناگوار، اوضاع را دگرگون سازد، ولی غالبا از این سه سلاح استفاده نکرد. این سه سلاح عبارتند از:

۱ سیره حلبی: ۳/۳۴ ؛ بحارالانوار: ۲۲/۱۵۷ .

۱- سیره حلبی: ۳/۳۴ ؛ بحارالانوار: ۲۲/۱۵۷ .

۱ اعجاز.

۲ دعای مستجاب.

۳ آگاهی های غیبی.

پیـامبر می توانست از راه اعجـاز و ولاـیتی که در تصـرف در جهان طبیعت داشت (همان سـنخ ولایتی که حضـرت مسـیح علیه السـلام در تصـرف در جهـان طبیعت داشت و در زنـده کردن مردگان و بازگردانیـدن سـلامت به بیماران صـعب العلاج از آن استفاده می کرد)(۱) به فرزند خود سلامت و بهبود بخشید.

۱ به سوره آل عمران، آیه ۴۹ مراجعه شود.

علم امام تأثیری در عمل و ارتباطی با... (۲۳۳)

ص:۲۳۳

۱- به سوره آل عمران، آیه ۴۹ مراجعه شود.

و نیز می توانست به برکت دعای مستجابی که به وی داده شده بود و هر موقع دعا می کرد دعای او مستجاب می شد، وضع فرزند خود را دگرگون سازد و از مرگ نجات دهد.

و هم چنین می توانست از راه آگاهی غیبی، از عوامل بیماری فرزندش قبل از وقوع جلوگیری کند تا اصلاً فرزندش گرفتار چنین بیماری نگردد و یا برای بهبود او از داروهایی که قطعا مفید بود استفاده نماید.

اما آن حضرت در این مورد و موارد دیگر غالبا از این سه سلاح برنده استفاده نمی کرد و گام از مجاری طبیعی و عادی

بیرون نمی نهاد چرا که این سلاح ها و ابزارها و اسباب غیبی

برای هـدف دیگری به پیامبر داده شـده است و او بایـد از این سـلاح ها در مواردی که اثبات نبوت و ولایت الهی او، به اعمال آن ها نیاز دارد استفاده کند.

او از این ابزار موقعی می توانـد اسـتفاده کند که خداوند به او اذن و اجازه بدهد و اذن الهی غالبا در مواردی است که با اعمال آن بخواهد نبوت و پیوند معنوی خود را با مقام ربوبی ثابت و مبرهن سازد.

و شاید یکی از علل (البته نه همه) این که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و

یا امام علیه السـلام در رفع مشکلات و گرفتاری ها نباید از این ابزار و مواهب استفاده کند این باشد که بهره گیری آنان از این وسایل

سبب می شود تبلیغ عملی آنان از بین برود.

شکی نیست که زندگی پیشوایان، صبر و بردباری آنان در مصایب و استقامت و جانبازی آن ها در میدان جهاد، سرمشق پیروان آنان می باشد، و اگر بنا باشد که امام یا پیامبر در پیشامدها و حوادث، خود را از راه اعجاز و یا دعای مستجاب و یا آگاهی ماورای طبیعی، از قلمرو مصایب و گرفتاری ها و حوزه بلاها و بیماری ها، خارج سازد، مثلاً به فرزند خود از طریق

(۲۳۶) متافیزیک یا آگاهی سوم

اعجاز شفا بخشد و یا در بهبود او از دعای مستجاب و یا آگاهی از غیب استفاده کند دیگر نمی تواند به دیگران توصیه کند که در مصایب و گرفتاری ها و حوزه بلاها و بیماری ها، خارج سازد،

مثلاً به فرزنـد خود از طریق اعجاز شـفا بخشـد و یا در بهبود او از دعای مسـتجاب و یا آگاهی از غیب اسـتفاده کند دیگر نمی تواند به دیگران توصـیه کند که در مصایب و گرفتاری ها، صابر و بردبار، تسـلیم و شـکیبا باشـند، و اگر در میدان جهاد، یا در طریق شـهادت در راه خـدا، از این اسـباب بهره گیرد و هر نوع تیر بلاـ را از اصابت به هـدف باز دارد، و پیوسـته خود و شؤون مربوط به

خـویش را از حوزه گرفتـاری بیرون نگهـدارد، دیگر نمی توانـد مردم را به تحمـل بلاـ و نـاراحتی دعوت کنـد، زیرا فورا موج اعتراض به او متوجه می شود و همه می گوینـد: آن کس می توانـد ما را به چنین برنامه های خلّاق و سازنده توصـیه کند، که خود

نمونه ای از این صفات برجسته انسانی باشد کسی که برای او درد و ناراحتی مفهومی ندارد، و در طول زندگی مصایب و گرفتاری را لمس نمی کند، نمی تواند نمونه اخلاق و سرمشق زندگی انسان ها باشد از این جهت (و جهات دیگر که فعلاً مجال بازگو کردن آن ها نیست) شخصیت های الهی در مشکلات و

(۲۳۸) متافیزیک یا آگاهی سوم

مصایب، در ناگواری ها و گرفتاری ها، بسان افراد دیگر تلاش و کوشش می کنند و از اسباب و ابزار عادی برای رفع آن ها استفاده می کنند و چه بسا به خاطر نارسایی اسباب، تلاش و کوشش آنان به جایی نمی رسد.

اگر مشاهده می کنیم که راه و رسم زندگی معصومان، با افراد

دیگر، چندان تفاوتی نداشته باشد یعنی آنان هم مانند دیگران بیمار می شدند و به دوا و داروهای آن زمان متوسل می گشتند و در مسایل اجتماعی و در نبرد و جهاد، از ابزار طبیعی و علوم عادی استفاده می کردند و گروهی را مثلاً مأمور می کردند تا

جریان ها را برای آنان گزارش دهند و... همه و همه به خاطر همین است که استفاده از این اسباب غیبی جز در موارد خاصی، صلاح و مجاز نبوده است.

گواه هایی از احادیث اسلامی

عبیداللّه بن ابی رافع که نویسنده امیرمؤمنان علی علیه السلام بود می گوید:

هنگامی که امام علیه السلام «ابوموسی اشعری» را برای حکمیت در داستان جنگ صفین به «دومه الجندل» فرستاد به او چنین گفت:

«اُحْکُمْ بِکِتابِ اللّه ِ وَ لا تُجاوِزْهُ، فَلَمّا أَدْبَرَ قالَ عَلِیٌّ علیه السلام : وَ کَاَنّی بِهِ وَقَدْ خُدِعَ»

طبق کتاب خدا داوری کن و از دستور آن پا فراتر مگذار! وقتی «ابوموسی» به راه افتاد امام علیه السلام فرمود: گویا می بینم که او فریب خواهد خورد.

گواه هایی از احادیث اسلامی (۲۴۱)

ص:۲۴۰

کاتب امام می گوید: به امام علیه السلام عرض کردم:

فَلِمَ تُوَجِّهُهُ وَ أَنْتَ تَعْلَمُ اَنَّهُ مَخْدُوعٌ؟

چرا او را اعزام می کنی در صورتی که می دانی او فریب خواهد خورد؟

یا بُنَیَّ لَوْ عَمِلَ اللّه ُفی خَلْقِهِ بِعِلْمِهِ مَا احْتَجَّ عَلَیْهِمْ بِالرُّسُلِ.(۱)

«اگر بنا بود خدا درباره بندگان خود، به علم خویش عمل

۱ مناقب: ۲/۲۶۱، چاپ قم .

کند، هیچ گاه با اعزام و برانگیختن پیامبران بر آنان احتجاج

۱- مناقب: ۲/۲۶۱، چاپ قم .

نمی کرد (زیرا او می دانست گروهی هستند، که فرستادن و نفرستادن پیامبران، نسبت به آنان یکسان است و چه برای آنان پیامبری فرستاده شود یا نشود ایمان نخواهند آورد، با این همه پیامبرانی اعزام کرده است).

امیر مؤمنان علیه السلام در این پاسخ با یادآوری علم و آگاهی خطاناپذیر، خدا متذکر می گردد که من موظّفم در زندگی عادی خود از اسباب و علل عادی بهره گیرم و آگاهی من از غیب، ملاک عمل من نیست.

گواه هایی از احادیث اسلامی (۲۴۳)

و نیز در روایات اسلامی می بینیم که پیشوایان ما تأکید می کنند که ملاک قضاوت و داوری آنان همان گواه ها و سوگندها

ص:۲۴۲

است نه علوم و آگـاهی هـای سوم، چنان که امام صادق علیه السـلام از پیامبر گرامی صـلی الله علیه و آله نقل می کنـد که آن حضرت فرمود:

«اِنَّما أَقْضی بَیْنَکُمْ بِالْبَیِّناتِ وَ الْأیمانِ...»(۱)

«من میان شما به شاهدها و سوگندها داوری می کنم...».

و این که برخی از احادیث استفاده می شود که امام علیه السـلام در قضاوت و داوری خود در اجرای حـدود می توانـد به علم خود عمـل کنـد، باز منظور علمی است که دسـتاورد راه های عادی و اسـباب ظاهری باشـد مثل این که با چشم خود ببینـد که کسی

۱- وسائل الشیعه: ۱۸/۱۶۰، به نقل از کافی و تهذیب.

شراب می خورد، به روایت زیر توجه کنید.

۱ وسائل الشیعه: ۱۸/۱۶۰، به نقل از کافی و تهذیب.

(۲۴۴) متافیزیک یا آگاهی سوم

«اَلْواجِبُ عَلَی الْاِمامِ اِذا نَظَرَ اِلی رَجُلٍ یَزْنی أَوْ یَشْرِبُ خَمْرا أَنْ یُقیمَ عَلَیْهِ الْحَدَّ وَ لا یَحْتاجُ مَعَ نَظَرِهِ لِاَنَّهُ أَمینُ اللّه ِ فی خَلْقِهِ...»(۱)

۱ وسائل الشیعه: ۱۸/۳۴۴، ذیل حدیث می رساند که امام تنها در حقوق الهی باید به علم خود عمل کند و مرتکب گناه را حد بزند نه در حقوق مردم مانند این که ببیند کسی مال دیگری را می دزدد.

گواه هایی از احادیث اسلامی (۲۴۵)

«هرگاه امام ببیند که کسی مرتکب آمیزش نامشروع می شود یا ببیند کسی شراب می خورد در این صورت باید حدّ الهی را در

۱- وسائل الشیعه: ۱۸/۳۴۴، ذیل حدیث می رساند که امام تنها در حقوق الهی باید به علم خود عمل کند و مرتکب گناه را حد بزند نه در حقوق مردم مانند این که ببیند کسی مال دیگری را می دزدد.

حقّ او اجرا کند و احتیاج به شاهد و گواه ندارد زیرا او امین خدا در میان مردم است».

توجه داریـد در این مورد که امـام علیه السـلام به علم خود عمـل می کنـد مقصود علم عـادی و طبیعی است هم چنان که لفظ «نظر» بر آن گواهی می دهد.

(۲۴۶) متافیزیک یا آگاهی سوم

و نیز هرگاه در قضاوت ها و داوری های امام امیرمؤمنان علیه السـلام دقت کافی به عمل آید به روشنی ثابت می گردد که آن حضـرت در داوری هـای خود با تلاش خاص و لطافت و ظرافت ویژه ای، مقـدماتی فراهم می آورد که خود طرفین (مـدعی و منکر) به حقیقت اقرار کنند و مطلب را آفتابی سازند و بدون اعتراف

آنان، به استناد به علم خود قضاوت نمی کرد.

حضرت قائم علیه السلام و حکم داوودی

از احادیث اسلامی استفاده می شود که فقط حضرت قائم علیه السلام

حضرت قائم علیه السلام و حکم داوودی (۲۴۷)

در داوری های خود به علم خویش عمل خواهد کرد و بسان حضرت داوود داوری خواهد نمود.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«اِذا قامَ قائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بِحُكْمِ داوُدَ علیه السلام لا يَسْأَلُ عَنْ بَيِّنَتِهِ»

«هنگامی که قائم آل محمد ظهور و قیام کند مانند حضرت داوود به واقع حکم می کند و از مدعی و منکر شاهد و گواه و سوگند نمی خواهد».

ص:۲۴۶

فهرست مطالب

(۲۴۸)

(۲۴۹)

ص:۲۴۷

فهرست مطالب

عنوان شماره صفحه

(۲۵۰)

فهرست مطالب

عنوان شماره صفحه

فهرست مطالب

عنوان شماره صفحه

(۲۵۲)

ص:۲۵۰

فهرست مطالب

عنوان شماره صفحه

(۲۵۳)

ص:۲۵۱

فهرست مطالب

فهرست مطالب

عنوان شماره صفحه

فهرست مطالب

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹